



# دائرة المعارف و

گردآورنده: فرزانه سخایی

## مقدمه

دایرةالمعارف و دایرةالمعارف‌نویسی از اهمیت بسیاری برخوردار است و شاید بتوان گفت که یکی از دلایل پیشرفت جوامع مرفقی، تدوین و انتشار انواع منابع مرجع و نیز مراکزاطلاعرسانی به صورت گسترده است. دایرةالمعارفها و دانشنامه‌ها می‌توانند نقش مؤثری در ارتقای سطح دانش و بینش علمی جامعه ایفا کنند. در هر فرهنگ و کشوری دانشنامه‌ها راهگشای اهل تحقیق‌اند و از بود و نبود آنها می‌توان به زنده بودن و و یا پژمردگی علم و فرهنگ آن جامعه پی‌برد.

به همین مناسبت سعی شده است تا با بیان مفهوم مرجع، منابع مرجع و جایگاه و طبقه بندی آن و همچنین مفهوم لغوی و تخصصی دایرةالمعارف به عنوان یکی از منابع مرجع تا حدی با دایرةالمعارف بیشتر آشنا شویم. **مرجع و منابع مرجع:**

معین، مرجع را در فرهنگ خود چنین تعریف می‌کند: جای بازگشت، محل رجوع، آنکه در امور بدو رجوع کنند. بر اساس تعریف فوق، کتاب مرجع کتابی است که به منظوری به آن مراجعه می‌شود. بر مبنای این تعریف همه کتابها را می‌توان کتاب مرجع نامید.<sup>۱</sup> از طرفی کتاب مرجع بدین منظور فراهم نمی‌آید که

یکبار از آغاز تا انجام خوانده شود. در کتابهای غیرمرجع جمله‌ها، پاراگرافها را می‌سازند، پاراگرافها به فصلها تبدیل می‌شوند و فصلها در پس هم عقیده و نظری خاص را به صورت ساده یا مرکب دنبال می‌کند. اما کتاب مرجع چنین خصوصیتی ندارد برعکس درون آن از پاره‌هایی جدا از هم فراهم می‌آید و ترتیب پاره‌ها بر اساس یک روال فکری منظم نیست بلکه نظم ساختگی دارد. مثلاً رده‌بندی یا الفبایی یا آمیزه‌ای از این دو.<sup>۲</sup>

در ادبیات، تاریخ و مطالعات مربوط به ایران منابع معتبر موجود در این زمینه‌ها کتاب مرجع شناخته می‌شود اما چون اطلاعات مربوط به یک موضوع، یا مطلب در سراسر کتاب پراکنده است نمی‌توان این کتابها را مرجع تلقی کرد.<sup>۳</sup>

در کتابداری و اطلاع‌رسانی یک اثر ارجاعی دارای کیفیات زیر است:<sup>۴</sup>

۱. مجموعه‌ای از اطلاعات است که برای بهره‌گیری سریع و راحت نظم یافته است؛
۲. نظم آن اغلب و نه همیشه از طرح ثابتی پیروی می‌کند. چون نظم الفبایی برای دایرةالمعارفها و فرهنگها و نظم زمانی برای منابع تاریخ؛
۳. معمولاً از مبحث مورد نظر اطلاع کافی به دست



## دائرة المعارف نویسی

می‌دهد و به ندرت به مطلبی عمقاً می‌پردازد؛

۴. تمرکز آن بر واقعیات است و برای خواننده‌ای فراهم می‌آید که به دنبال سؤال معینی است. مسائلی را له یا علیه یک فکر و نظر و رأی پیش نمی‌کشد.

معمولاً قواعدی که محتوای کتاب طبق آن سازمان و سامان یافته است، در مقدمه کتاب مرجع می‌آید. عام‌ترین قاعده در کتاب مرجع این است که حاوی بیش از یک پرونده یا پیشینه است. یعنی همه مطالب آن به یک موضوع، به یک مکان، به یک شخص و یا به یک اندیشه اختصاص ندارد که در غیر این صورت از حوزه کتابهای مرجع خارج می‌شود. دومین قاعده این است که هر پیشینه به چند ناحیه و چند زیرناحیه کاملاً مشخص تقسیم می‌شود به نحوی که نوع اطلاعات موجود در هر ناحیه و در هر زیرناحیه برای تمام پیشینه‌ها یکسان است. به عنوان مثال تمام پیشینه‌های یک کتابنامه به مشخصات نویسنده اختصاص می‌یابد. مشخصات نویسنده خود به سه زیرناحیه نام‌خانوادگی، نام، تاریخ تولد ... تقسیم می‌شود.<sup>۵</sup>

اطلاعات موجود در کتابهای مرجع را اطلاعات رده دوم یا گاهی اطلاعات رده سوم نام‌گذاری کرده‌اند. اطلاعات موجود در کتاب مرجع حاصل پژوهش و کند و

کاو ذهنی به وجود آورنده کتاب مرجع نیست بلکه این اطلاعات بیشتر در جایی به شکلی از اشکال وجود داشته است و به وجود آورنده کتاب مرجع با استفاده از سرمایه ذهنی و بیشتر با استفاده از کار یدی بخش کوچکی از آنها را نظمی متفاوت بخشیده است. لذا تولیدکننده کتاب مرجع، گرچه خالق کتاب مرجع است، آفریننده اطلاعات موجود در کتاب مرجع نیست ولی نباید نتیجه گرفت که در تولید کتاب مرجع هیچ‌گاه کوششی ذهنی دخالت ندارد. اگر چنین بود عبارت "کتابهای مرجع معتبر" بی‌معنا بود. گردآورنده کتاب مرجع می‌تواند تصویری به وجود آورد که مانند یک قطره خون همه خصوصیات خون بدن را نشان دهد و یا تصویری به وجود آورد که در شب، سایه‌های درختان را چون تن انسان بنمایاند.<sup>۶</sup>

حسن انوشه، سرپرست «دانشنامه ادب فارسی» در این زمینه می‌گوید: "کار دایرةالمعارف، دادن سرنخ و حل کردن دشواریهایی است که خواننده کتاب یا اهل تحقیق هنگام مطالعه و تحقیق با آن روبه‌رو می‌شود. از این رو، در دانشنامه‌ها باید ضروری‌ترین آگاهیها را به خواننده داد."<sup>۷</sup>

یکی از خصوصیات اصلی کتاب مرجع این است که اطلاعات موجود در آن یا کهنه و کم‌فایده می‌شود و یا باید

دست دوم یا هدایت‌کننده عبارت‌اند از کتاب‌شناسیها، فهرستها، مقاله‌نامه‌ها، چکیده‌نامه‌ها، نمایه‌ها.<sup>۹</sup>

### ارزیابی منابع مرجع

بعد از نکات ارائه شده به ارزیابی منابع مرجع می‌پردازیم. ارزیابی منابع مرجع یعنی تعیین ارزش محتوای آنها، کارایی و سودمندی آنها در پاسخ‌گویی، اعتبار و اعتمادی که به پاسخ‌های آنها می‌توان داشت و به‌خصوص آنچه هدف مشترک تمام کتابهای مرجع است: دادن پاسخ درست در زمانی کوتاه. در ارزیابی منابع مرجع، آنچه به عنوان معیارهای کلی و در مورد تمام مراجع گوناگون، باید در نظر گرفت، موارد زیر است:<sup>۱۰</sup>

۱. اعتبار پدیدآورنده اثر؛
۲. اعتبار ناشر؛
۳. تازه‌بودن اطلاعات؛
۴. زبان و شیوه نگارش؛
۵. تنظیم منطقی؛
۶. شکل ظاهری.

### مفهوم لغوی و تخصصی دایرةالمعارف:

این اصطلاح ترجمه لفظی عربی واژه فرانسوی "encyclopedie" (در انگلیسی encyclop[ae]dia) است که دانشمند لبنانی مسیحی، بَطْرُس البُستَانی (۱۸۱۹ - ۱۸۸۳) برای دایرةالمعارف عربی خود ساخت که ترجمه‌ای اقتباسی از دایرةالمعارفهای نوین اروپایی بود و نخستین جلد آن در سال ۱۸۷۶ درآمد. خود واژه "encyclopaedia" (و دیگر صورتهای آن در زبان اروپایی) شکل لاتینی عبارت یونانی "enkyklios paideia" (آموزش عمومی) است. صفت "enkyklios" خود مرکب از دو جزء "en" به معنای در و "kiklios" به مفهوم دایره و

به‌کلی تغییر یابد و یا چیزی بر آن افزوده شود و یا چیزی از آنها کسر گردد. همین ویژگی امکان فراهم آوردن کتاب مرجع معتبر به همت یک فرد را بسیار دشوار و گاه ناممکن می‌سازد و کار جمعی و سازمانی را می‌طلبد.<sup>۸</sup>

### جایگاه و طبقه بندی منابع مرجع

همان‌طور که اطلاع دارید پنج کار اصلی کتابخانه عبارت‌اند از:

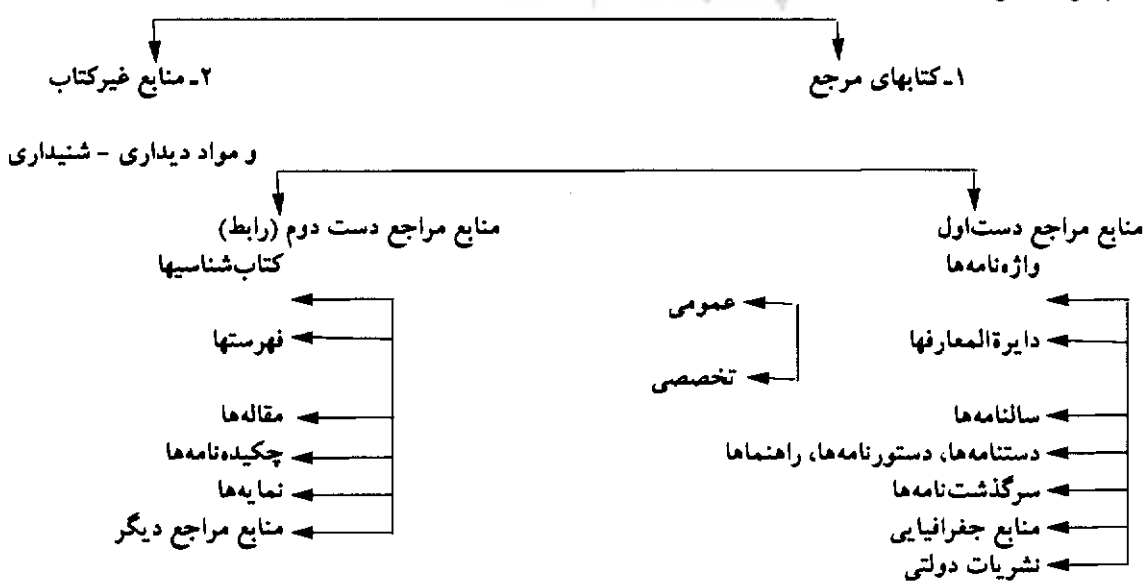
- ۱- فراهم‌آوری یا مجموعه‌سازی؛
- ۲- حفاظت و نگهداری؛
- ۳- سازمان‌دهی؛
- ۴- اشاعه اطلاعات؛
- ۵- مدیریت.

اشاعه اطلاعات خود دربرگیرنده امانت بخش مرجع و بخش اطلاع‌رسانی است. بنابراین جایگاه مرجع در کتابداری همان اشاعه اطلاعات است.

تقسیم‌بندی منابع مرجع یا بر حسب شکل ظاهری است و یا بر حسب نقشی که در ارائه اطلاعات دارند. از لحاظ شکل ظاهری به دو دسته، منابع کتابی و منابع غیرکتابی تقسیم می‌شوند و از لحاظ نقشی که در ارائه اطلاعات دارند به مراجع اصلی یا دست اول که منبع مستقیم اطلاعات است و پژوهنده پاسخ پرسش خود را مستقیماً از آنها می‌گیرد و مراجع دست دوم یا هدایت‌کننده مانند پلی است که جوینده را به مرجع دیگری مربوط می‌کند که پاسخ پرسش او را در بردارد. کتابهای مرجع دست اول یا اصلی عبارت‌اند از: واژه‌نامه، دایرةالمعارفها، مجموعه‌های معلومات عمومی، سالنامه‌ها، دستنامه‌ها، دستورنامه‌ها، راهنماها، سرگذشت‌نامه‌ها، منابع مرجع جغرافیایی و نشریات دولتی. کتابهای مرجع

### گروه‌بندی منابع مراجع

### جدول شماره ۱



سیکل است و در لفظ به معنای "مستدیر" و بیشتر عمومی و فراگیر آمده است. صورت کوتاه شده "cyclop(a)edia" هم گاهی به کار می‌رود. البته در تداول عامه چهار لفظ دانشنامه، فرهنگنامه، فرهنگ و دایرةالمعارف مترادف به کار رفته‌اند.<sup>۱۱</sup>

فرهنگ، واژه‌نامه یا لغت‌نامه منبعی است دقیق، موثق و معتبر درباره کلمات یا اصطلاحات تمام یا بخشی از زبان و یا رشته‌ای خاص از معارف بشری که حاوی اطلاعات معنایی و ازگسان، املا، هجاستندی، تلفظ، ریشه‌شناسی، اشتقاق، کاربرد مترادفها، دستور است و گاهی مواقع تصاویری از شیء که دال بر واژه‌هاست ارائه می‌دهد. بنابراین فرهنگ و دایرةالمعارف هر کدام حاوی اطلاعات خاصی هستند و می‌توان گفت که گستره آگاهیها و اطلاعات فرهنگ درباره واژه‌هاست اما گستره آگاهیها و اطلاعات دایرةالمعارف درباره همه زمینه‌های دانش بشری است. اگر چه ممکن است هر دو بر حسب نظام الفبایی تنظیم شوند اما نه تنها از نظر گستره آگاهیها بلکه از نظر طرح ساختنی نیز به طور کامل متفاوت‌اند، برای مثال اگر به مدخل "مذهب" در فرهنگ لغت نگاه کنیم اطلاعات معنایی، دستوری، تلفظی و غیره را درمی‌یابیم اما اگر به ذیل همین مدخل در دایرةالمعارف نگاه کنیم، اطلاعات زیادی درباره تاریخ، اصول عقاید، اعمال مذهبی و غیره به دست خواهیم آورد.<sup>۱۲</sup> افزون بر این طبقه‌بندی رده‌شناختی فرهنگها و دایرةالمعارفها نیز با یکدیگر متفاوت‌اند. از جمله این تفاوتها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- حجم مدخلها و گستره آنها؛
- ۲- تعداد زبان‌ها؛
- ۳- داده‌های واژگانی.

دایرةالمعارفها با مراجع دیگر نیز متفاوت است. در زندگی‌نامه‌ها شرح و بررسی زندگی و اعمال و آثار دست‌اندرکاران رشته‌ای خاص چون شاعران، نویسندگان، خوشنویسان، دانشمندان و یا زندگی‌نامه مشاهیر را می‌آورند. در متون آموزشی موضوعها به طور تخصصی بیان می‌شوند اما دایرةالمعارف در اساس دربرگیرنده آگاهیهایی در موضوعات گوناگون و شرحی کمابیش کوتاه درباره آنها به سبکی آسان و ساده و سودمند برای همگان است. برای آنکه دایرةالمعارف از جامعیت و عمق لازم برخوردار باشد معمولاً به صورت مجموعه‌ای از مقالات جداگانه بسیار و اغلب به قلم آگاهان و پژوهندگان هر رشته تدوین می‌شود.<sup>۱۳</sup>

بنابراین دایرةالمعارف از دیدگاه تخصصی مرجعی است که در آن مقاله‌های بسیار به نسبت موضوع مفصل یا مختصر و درباره موضوعات و دانستنیهای گوناگون در

یک رشته یا در رشته‌های مختلف گردآوری شده و با یک نظم منطقی و علمی غالباً به ترتیب حروف الفبای هر زبان تدوین و تألیف یافته است. دایرةالمعارف پاسخگوی هر پرسشی است که با چه؟ کی؟ کی؟ کجا و چگونه آغاز می‌شود.<sup>۱۴</sup>

## انواع دایرةالمعارفها با توجه به طبقه‌بندی رده‌شناختی

دایرةالمعارفها را از دیدگاههای گوناگون می‌توان تقسیم بندی کرد:

از نظر گستره: مفصل و مختصر. دایرةالمعارف مفصل، دایرةالمعارفی است که تا حد امکان مقالات کوتاه و یا حسب ضرورت عنوان مقالات بلند، به تمام موضوعات مورد نظر در زمینه کارش می‌پردازد. این نوع دایرةالمعارفها در مجموعه‌های چندین جلدی منتشر می‌شوند مانند "بریتانیکا" و "آمریکانا" یا "دایرةالمعارف علوم کتابداری".<sup>۱۵</sup>

اما دایرةالمعارف مختصر مجموعه مقالات منسجم و فشرده در فرهنگ و علوم و معارف انسانی است که می‌تواند پاسخگوی نیاز فوری مراجعه کننده باشد. این نوع دایرةالمعارف در مجلداتی محدود منتشر می‌شود مانند "دایرةالمعارف فارسی مصاحب".<sup>۱۶</sup>

از نظر شمول: عمومی و اختصاصی. دایرةالمعارف عمومی دایرةالمعارفی است مفصل و یا مختصر که در آن اطلاعات و آگاهیهایی در همه زمینه‌های فرهنگ و معارف بشری به صورت مقالاتی مختصر و یا مفصل و با توجه به نیاز خوانندگان گردآوری شده است مانند "بروکهاوس" در آلمان. "دایرةالمعارف بزرگ ژاپن"، "دایرةالمعارف بزرگ اتحاد شوروی".<sup>۱۷</sup>

اما دایرةالمعارف اختصاصی نوعی دایرةالمعارف است که با مقالاتی تخصصی برای برآوردن نیاز متخصصان دانش‌پژوهان در زمینه‌ای خاص از دانش تهیه می‌شود. مانند "دایرةالمعارف فیزیک"، "دایرةالمعارف فلسفه" و غیره و یا کتاب "ایران‌شهر" که مطالب آن فقط به مسائل ایران ارتباط دارد.<sup>۱۸</sup>

از نظر سطح: منظور از سطح عامل سن خواننده یا مراجعه کننده به آن اثر است. بر این اساس می‌توان دایرةالمعارفها را بر اساس سطح به دو گروه طبقه‌بندی کرد. نخستین طبقه‌بندی بر اساس سطح عبارت است از دایرةالمعارف کودکان و دایرةالمعارف بزرگسالان.<sup>۱۹</sup>

دایرةالمعارف کودکان که حسب سن مراجعه کننده به چند نوع تقسیم می‌شود دایرةالمعارفی است که بر اساس نیاز کودک و با توجه به دانش پایه و زبان پایه و محیط زندگی او و فرهنگ مردمی که در میان آنها زندگی می‌کند

تهیه و تدوین می‌شود. مانند «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان»، البته در تهیه و تدوین چنین آثاری افزون بر اصول و معیارهای کلی دایرةالمعارف‌نویسی به اصول و ضوابط خاص تألیف این گونه آثار نیز باید توجه خاص معطوف داشت.<sup>۲۰</sup>

دایرةالمعارف بزرگسالان نوعی دایرةالمعارف است که از نظر موضوع زبان و بیان برای برآوردن نیاز جوانان به طور اخص و یا برآوردن نیاز بزرگسالان به طور اعم تدوین می‌شود مانند: «دایرةالمعارف جوانان برتانیکا» برای نسل جوان و بیشتر دایرةالمعارفهای جهان مانند «بریتانیکا» و «آمریکانا»، «دایرةالمعارف فارسی» و غیره که برای پاسخگویی به سؤالات عامه تدوین شده است.<sup>۲۱</sup>

**از نظر هدف:** هدف مؤلفان هر دایرةالمعارفی در واقع پاسخگویی به نیاز مراجعه‌کنندگان است. بنابراین، بر اساس برآورد نیاز خوانندگان می‌توان دایرةالمعارفها را به چهارگروه تقسیم کرد:<sup>۲۲</sup>

الف) آنها که برای پاسخ به سؤالات ساده‌ای مانند: که بود؟ چه کرد؟ چه تأثیری نهاد؟ چطور؟ چه چیز؟ برای چه؟ و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب) دایرةالمعارفهایی که برای پاسخ به سؤالات تخصصی و عمیق مورد استفاده قرار می‌گیرد و با کتابنامه‌های پایان هر مقاله راهگشای محقق و پژوهشگر در موضوعی خاص است مانند «دایرةالمعارف شیمی»، «دایرةالمعارف بزرگ اسلام»، «دایرةالمعارف تشیع».

پ) دایرةالمعارفهایی که اطلاعات و آگاهی‌هاشان به گونه‌ای است که هم برای محققان و متخصصان و هم دانشجویان و جوانان قابل استفاده است، مانند «دایرةالمعارف جدید دانش» و «آمریکانا».

ت) در تعدادی از دایرةالمعارفها افزون بر پاسخگویی به سؤالات، مراجع جنبه آموزشی نیز دارند مانند «پروپدیا» و «ماکروپدیا» دایرةالمعارف برتانیکا».

**از نظر نظم:** تاکنون سه نوع طبقه‌بندی برای نظم بخشیدن به دایرةالمعارفها به وجود آمده است: ۱. الفبایی؛ ۲. رده‌ای؛ ۳. موضوعی. نظم الفبایی نظمی است که بر اساس آن مدخلهای دایرةالمعارف بر اساس ترتیب حروف الفبای زبانی که دایرةالمعارف بدان نگاشته شده آرایش می‌یابد.<sup>۲۳</sup>

اما نظم رده‌ای نظمی است که بر اساس آن مطالب هر رده به صورت مستقل تهیه شده و سپس این رده‌ها با نظم الفبایی کنار هم قرار می‌گیرند، مانند «ایران‌شهر»؛ برای مراجعه‌کننده به این گونه آثار وجود نمایه ضروری است. نظم موضوعی نظمی است که بر اساس آن مطالب هر موضوع زیر عنوان موضوعات بزرگ‌تر گردآوری شده و سپس این موضوعات با نظمی منطقی پشت سرهم قرار

می‌گیرند. برای این نوع دایرةالمعارف فهرست مندرجات و نمایه ضروری می‌نماید.<sup>۲۴</sup>

مشهود است که نظم و ترتیب یا طرح ساختنی دایرةالمعارف از اهمیت زیادی برخوردار است و یکی از تفاوت‌های عمده فرهنگها و دایرةالمعارفها به شمار می‌رود.<sup>۲۵</sup>

### ارزیابی دایرةالمعارفها

دایرةالمعارفها بیش از سایر کتابهای مرجع در کتابخانه کاربرد دارند، لذا ارزیابی آنها اهمیت زیادی دارد و کتابدار مرجع در تهیه این گروه از کتابهای مرجع باید بسیار دقت کند. به همین منظور فهرست وار به مواردی که باید در ارزیابی دایرةالمعارف در مد نظر داشت اشاره می‌شود:<sup>۲۶</sup>

۱- سابقه نشر

۲- اعتبار

الف - ناشر

ب - ویراستار و اعضای هیئت ویراستاری

۳- دامنه و محدوده

الف - منظور و هدف

ب - سطح

ج - وجود توازن

د - سازمان و نظم

هـ - ارجاعات

و - نمایه

۴- وسعت و کیفیت مطالب

الف - سبک نگارش

ب - کتاب‌شناسیها

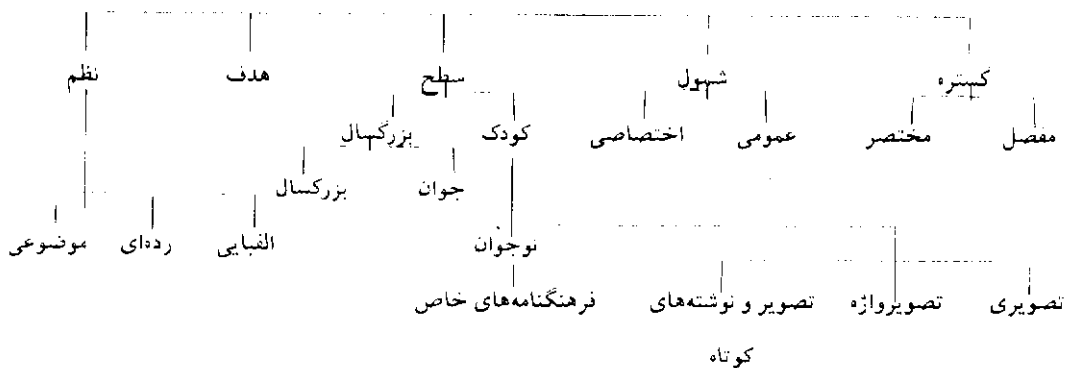
ج - نقشه‌ها

۵- مقایسه دایرةالمعارف مورد نظر با ویرایشهای قبلی و آثار مشابه

۶- شکل فیزیکی

### تاریخچه دایرةالمعارف‌نگاری

دایرةالمعارف‌نویسی پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد. بسیاری نقش مشرق زمین را در این زمینه طولانی‌تر از غرب می‌دانند. در روزگاران باستان که فلسفه دیرگیرنده همه موضوعات دانش بشری بوده و تشعب علوم عملی نشده بود، «فیلسوف» به کسی اطلاق می‌شد که جامع همه علوم و دانش زمان خود بود. از این رو آثار فلاسفه باستان مجموعه‌ای بود از «دایرة دانش». لذا نخست تاریخچه دایرةالمعارف‌نویسی در غرب، خاور دور، جهان اسلام و سرانجام ایران بررسی می‌شود.<sup>۲۷</sup>



دایرةالمعارفها در موضوعات مختلف از جمله تاریخ، فقه، پزشکی و جامعه‌شناسی منتشر شد. مثل پسیلیوس یکی از دانشمندان روم اثری به صورت پرسش و پاسخ در زمینه علوم انسانی و تجربی منتشر کرد و در حدود همین زمان دایرةالمعارفی به نام "سوداش" منتشر شد. این دایرةالمعارف روش سنتی دایرةالمعارف‌نگاری را کنار گذاشت و نخستین بار به صورت الفبایی تنظیم و ارائه شد و به سبب مطالب سودمندش تا قرن‌ها استفاده می‌شد.<sup>۳۷</sup> راهب‌ای به نام هراد<sup>۳۸</sup> نخستین زنی است که در سده دوازدهم میلادی، دست به تهیه و تدوین یک دایرةالمعارف زد.<sup>۳۹</sup> در این سده هونوریوس این کلیوسیوس<sup>۴۰</sup> دایرةالمعارف گونه‌ای با نام "آینه جهان" منتشر کرد. مطالب این کتاب در زمینه جغرافی، طالع‌بینی، نجوم و شهرها و کشورها و شرح وقایع مهم است.<sup>۴۱</sup> بزرگ‌ترین دستاورد قرون وسطی "مرآة الکبیر" یا "آینه بزرگ" اثر ونسان بوه<sup>۴۲</sup> بود که در سال ۱۲۴۴ تدوین شد. این اثر شامل ده‌هزار فصل در هشتاد مجلد بود و تا اواسط قرن هجدهم هیچ دایرةالمعارفی از نظر اندازه به پای اثر ونسان بوه نمی‌رسد. مطالب آن به سه عنوان: تاریخ، علوم طبیعی و فیزیکی و علوم اخلاقی تنظیم شده است. در بخش نخست به ارتباط انسان با خدا، آفرینش و تاریخ طبیعی می‌پردازد. برای نوشتن این بخش نه تنها نوشته‌های لاتین، بلکه یونانی و عربی را نیز بررسی می‌کند. بخش دوم به موضوعات عملی اختصاص دارد و در فصل سوم به توصیف آفرینش خلقت از ابتدا پرداخته است.<sup>۴۳</sup> بعد از مرگ ونسان بوه در حدود سال ۱۳۱۰ بخش چهارم با عنوان اخلاقیات به کتابش افزوده شد که بیشتر در حکم "سرفتی ادبی" از کتاب "مدخل الهیات" اثر توماس آکویناس قدیس بود.<sup>۴۴</sup> از این اثر ترجمه‌های متعددی شده است. ونسان بوه معتقد بود که نه فقط کار او باید دنبال شود بلکه فقط از نظراتش باید تقلید شود.<sup>۴۵</sup>

۱- تاریخچه دایرةالمعارف‌نگاری در غرب:  
ظاهراً سنیوسپوس<sup>۲۸</sup> (۳۳۸ - ۳۳۹) برادرزاده افلاطون، که پس از وی به مقام ریاست آکادمی منصوب شد، مجموعه آثار افلاطون را گردآوری کرد که در حکم دایره‌ای از دانش بشری بود.<sup>۲۹</sup> سنت یونانی بر این بوده که فرهنگ شفاهی را به نوشتار بدل کنند. در مقابل رومیها می‌کوشیدند تا خلاصه‌ای از دانش زمان خود را ثبت و ضبط کنند. سناتور رومی، کاتو - در اواخر سده دوم پیش از میلاد - مجموعه کتابهایی را تدوین کرد که امروزه اثری از آن باقی نیست. این کتابها مجموعه‌ای بوده از پژوهشهایی درباره فن خطابه، کشاورزی، بهداشت، دانش، سپاهگیری و قانون. قصد او فراهم آوردن دایرةالمعارفی بوده برای تربیت پرسش و امیدوار بود با نگارش این مجموعه کتابها به زبان لاتین، آنها را جانشین متون یونانی کند.<sup>۳۰</sup> مارکوس ترنتیوس وارو<sup>۳۱</sup> موضوع کتاب کاتو را در کتاب خود به نام «اصول زندگی مردم روم» که درباره تاریخ تمدن روم نگاشته شده، دنبال گرفت.<sup>۳۲</sup> بسیاری کتاب "تاریخ طبیعی" پلینی<sup>۳۳</sup> را به سبب روش گردآوری آن نخستین دایرةالمعارف جهان شمرده‌اند. این اثر ۳۷ جلدی شامل ۲۴۹۳ فصل است که به صورت رده‌ای تنظیم شده است و حدود دوهزار<sup>۳۴</sup> مدخل را با عناوینی چون جهان‌شناسی، نجوم، هواشناسی، جغرافی، جانورشناسی، گیاه‌شناسی، پزشکی، جادو و هنر دربرمی‌گیرد. در قرن هفتم ایزیدور<sup>۳۵</sup> کتاب "فقه‌اللغة" یا "ریشه‌شناسی" را تألیف کرده که مجموعه‌ای از دانش عصر او بود. این اثر به روش الفبایی تنظیم نشده است بلکه به ترتیب توالی از این سری موضوعات بحث می‌کند مثل دستور زبان، منطق و بلاغت ... روش ایزیدور تأثیر زیادی بر کارهای قرون وسطی داشت.<sup>۳۶</sup> در دوران امپراطوری بیزانس مجموعه‌ای از

گردیده‌اند در انتشار این اثر همکاری داشتند.<sup>۶۴</sup> همچنین تسدلر<sup>۶۵</sup> در سال ۱۷۳۲-۵۰ اثر ۶۴ جلدی با عنوان "قاموس جهانی" را منتشر کرد. این سه دایرةالمعارف، یعنی آثار چمبرز، دیدرو و تسدلر، مهم‌ترین ویژگیهای دایرةالمعارف‌نویسی معاصر را دارند. وجود هیئت ویراستاران و شیوة تنظیم دایرةالمعارف از جمله این ویژگیهاست.<sup>۶۶</sup>

در سال ۱۷۶۸ یک اسکاتلندی به تدوین مجموعه‌ای به نام "فرهنگ هنرها و علوم" دست زد که این اثر بعدها "دایرةالمعارف بریتانیکا" نام گرفت. در ویرایش نخست بریتانیکا، که پدیدآورندگان سه نفر بودند، مقالات بسیار کوتاه و بیشتر شبیه فرهنگ لغت بود. در ویرایش دوم، این اثر از سه جلد به ده جلد رسید. در چاپ سوم (۱۸۱۰) سخن از اعتبار نویسنده و صحت مطالب به میان آمد. ویرایش سوم در بیست جلد منتشر شد. از سال ۱۸۱۰ تا ۱۸۸۹ چاپ‌های متعددی از آن به بازار آمد.<sup>۶۷</sup> ویرایش نهم و یازدهم نه فقط از نظر سیر تاریخ بریتانیکا حایز اهمیت هستند، بلکه به طور کلی در زمره آثار تاریخی محسوب می‌شوند و حتی بعضی این دو ویرایش را همپای ده فرمان موسی می‌دانستند.<sup>۶۸</sup> در سال ۱۹۲۹ که ویرایش چهاردهم در بیست و سه جلد و یک نمایه منتشر شد، تعداد نویسندگان به دو هزار و پانصد تن رسیده بود تا اینکه دانشگاه شیکاگو در آمریکا امتیاز انتشار آن را خرید و ویرایش پانزدهم را به طور کامل با طرحی نو در سی جلد در ۱۹۷۴ منتشر کرد. این چاپ تلفیقی از دو دیدگاه مختلف بود. یکی نظر کسانی که عقیده داشتند درباره "هر چه هست" باید مطالبی در دایرةالمعارف نگاشته شود و دیگر نظر کسانی بود که دایرةالمعارف را کاری فرهنگی، در جهت آموزشی، کم و بیش شبیه آموزش و پرورش آزاد می‌شمردند. راه حل این مشکل از سوی آدلر<sup>۶۹</sup> ارائه شد. بنا به نظر او دایرةالمعارف به سه بخش مجزا ولی به هم پیوسته تقسیم شده است. بخش پرویدیا که بخشی است مستقل، خلاصه‌ای است تک جلدی از تمام دانش بشری و حکم راهنمای ۲۹ جلد دیگر را دارد. بخش دیگر مایکروپدیا (دانش خرد) نامیده می‌شود و بخش سوم مکروپدیا (بخش دانش کلان) است. افزون بر این سه بخش دو جلد فهرست راهنما نیز ضمیمه "بریتانیکا" وجود دارد.<sup>۷۰</sup> گرچه بیش از نیمی از همکاران پژوهشگر انگلیسی یا آمریکایی هستند ولی مجموع ویرایشگران بریتانیکا را اهالی ۱۳۱ کشور تشکیل می‌دهند. مثلاً اسعد سلیمان عبدو از عربستان سعودی و خسرو مستوفی از ایران نویسندگان مقالات سکه و ایران هستند.<sup>۷۱</sup>

حدود سال ۱۴۶۰ کاکستون<sup>۶۶</sup> دایرةالمعارف "اینه جهان" را به انگلیسی ترجمه کرد. در اوایل سده پانزدهم بزرگ‌ترین دایرةالمعارفی که تاکنون تدوین شده یعنی «یونگ لوتاسین»<sup>۲۷</sup> به معنی "دستنامه بزرگ" تدوین شد. در سال ۱۵۴۱ رینگل برگ بازل<sup>۲۸</sup> "مطالعات شبانه" یا "دایرة کامل تعلیم و تربیت" را منتشر می‌کند.<sup>۴۹</sup> بسیاری معتقدند این اثر نخستین اثری است که واژه "دایرةالمعارف" را به کار برده است.<sup>۵۰</sup>

نخستین دایرةالمعارف فرانسوی "فرهنگ تاریخی، جغرافیایی و شعری" اثر چارلز استین بود. قبل از آن فرانسویان دایرةالمعارفهای ملل دیگر را به زبان خودشان ترجمه کرده بودند.<sup>۵۱</sup>

در اوایل سده هفدهم، فرانسویس بیکن آثارش را بر اساس رده‌بندی جدیدی از دانش بشری تدوین کرد که در حقیقت یک دایرةالمعارف موضوعی به حساب می‌آید. سه تن از متخصصان دایرةالمعارف در سده هفدهم عبارت‌اند از: یوهان هانریش الستد،<sup>۵۲</sup> پیر بایل<sup>۵۳</sup> و لوی مورری.<sup>۵۴</sup> الستد در سال ۱۶۲۰ کتاب دایرةالمعارف هفت جلدی را منتشر کرد که احتمالاً نخستین دایرةالمعارفی است که به "نظم و ترتیب" توجه زیادی کرده است. مقالات این دایرةالمعارف در ۳۵ مجلد و با هفت عنوان کلی تدوین شده است. مورری در سال ۱۶۷۴ کتاب "فرهنگ بزرگ تاریخی" را منتشر کرد. در سال ۱۶۹۷ میلادی پیر بایل به تصحیح خطا و کمبودهای اثر مورری، همت گماشت و کتاب فرهنگ تاریخی و انتقادی را منتشر کرد.<sup>۵۵</sup>

دایرةالمعارف به معنای امروزی آن از سده هجدهم آغاز شد. در سال ۱۷۰۱ م کورنلی<sup>۵۶</sup> نخستین دایرةالمعارف ایتالیایی را با عنوان "کتاب‌شناسی جهانی" منتشر کرد. در این قرن ولتر فرهنگ فلسفی خود را منتشر کرد که به صورت الفبایی تنظیم شده بود.<sup>۵۷</sup> در سال ۱۷۰۴ جان هریس انگلیسی "فن واژگان" را منتشر ساخت. این اثر تمامی خصوصیات یک دایرةالمعارف جدید را داشت. به نظر وی دایرةالمعارف باید تمام مطالب علمی و تکنیکی را دربرگیرد. این روند با انتشار "دایرةالمعارف چمبرز" در سال ۱۷۲۸ ادامه یافت. چمبرز<sup>۵۸</sup> بیشتر به مطالب علمی، هنری و فلسفی جدید می‌پردازد. چمبرز را پدر دایرةالمعارف‌نویسی جدید می‌دانند. در ۱۷۲۸ شامبر "فرهنگ علوم و فنون" را منتشر کرد.<sup>۵۹</sup>

در فرانسه نخست جان میلز<sup>۶۰</sup> و سپس پل دوگوا دو مالو<sup>۶۱</sup> و سپس ذنی دیدرو<sup>۶۲</sup> به ترجمه اثر چمبرز همت گماشتند. این دایرةالمعارف به دایرةالمعارف فرانسوی شهرت دارد.<sup>۶۳</sup> دانشمندانی چون ولتر، روسو، دآلمبر، منتسکیو، ... که به "اصحاب دایرةالمعارف" مشهور

قرن هجدهم منتشر شد و به نام نویسنده آن «هوبنر» مشهور گشت. پس از آن دایرةالمعارفهای دیگری در آلمان تألیف و منتشر شد، تا اینکه در سالهای ۱۷۹۶-۱۸۰۸ فریدریش بروکهاوس با کار روی دایرةالمعارف «لوبل» دایرةالمعارف موفق برای آلمان به وجود آورد. این دایرةالمعارف الگوی مناسبی شد برای رشد بیشتر دایرةالمعارفهای غربی، زیرا مدخل علمی آن مختصر، قابل درک، دقیق و روزآمد بودند. افزون بر این محتوای آنها مبتنی بر حقیقت بود.<sup>۷۲</sup>

همتای دایرةالمعارف «بریتانیکا» در فرانسه، دایرةالمعارف بزرگ «لاروس» است. این دایرةالمعارف به همت پیر لاروس (۱۸۱۷ - ۱۸۷۵) ادیب فرانسوی تدوین شده است. پیر لاروس سخت به انتشار روزنامه مخصوص آموزش و پرورش و تألیف دستور زبان برای تدریس در مدارس پرداخت و سرانجام به نگارش کتاب بزرگ «لغت فرانسوی» مبادرت ورزید و با پشتکار بسیار بزرگترین دایرةالمعارف قرن نوزدهم را تألیف کرد.<sup>۷۳</sup> لاروس در نوشتن این اثر بر سبک آن تأکید دارد و به ویژه به سلیقه مردم عادی فرانسه اهمیت زیادی می دهد.<sup>۷۴</sup>

در سال ۱۸۸۶-۱۹۲۰ «دایرةالمعارف بزرگ فرانسوی» منتشر شد. ارزش این اثر در توانایی علمی، قابل درک بودن و سندیت بالای علمی آن است.<sup>۷۵</sup>

«جمهوریستر» در آمریکا و «بروکهاوس» در آلمان آغاز فصل جدیدی بود. این فرهنگ آموزشی زبان انگلیسی آمریکایی که در سال ۱۸۲۸ منتشر شد خصوصیات دایرةالمعارف را داشت اما در آن از آوردن مدخلهای طولانی به سبب وجود موضوعات مهم تر خودداری شده بود. «وبستر» خیلی زود نظر آمریکاییان را جلب کرد و از آن زمان تاکنون بارها تجدید چاپ شده است.<sup>۷۶</sup>

«بروکهاوس» خیلی زود در مقابل «وبستر» چهره تقابلی به خود گرفت، زیرا دایرةالمعارفش در زمینه علوم انسانی قوتی تر از زمینه های علوم تجربی و تکنیکی بود. از این رو، جوزف میر با انتشار دایرةالمعارفی موفق این ناهماهنگی را جبران کرد و مجموعه او توانست بیش از صد سال با «بروکهاوس» رقابت کند.<sup>۷۷</sup>

در سال ۱۷۹۳ روسها فرهنگ روسی را به وجود آوردند. این اثر در گذر سالهای ۱۸۲۷-۱۸۵۵ به عنوان یک مرجع بزرگ و مهم انتشار یافت، اما مهم ترین دایرةالمعارف روسی (General) در پنجاه و هشت مجلد است که در دسترس سایر کشورها قرار نگرفت.<sup>۷۸</sup>

«آمریکانا» در سال ۱۸۲۹-۱۸۳۳ در شانزده جلد منتشر شد. انتشار این اثر که تاکنون ادامه دارد بیشتر بر تاریخ و جغرافیا و زندگی نامه آمریکاییان تأکید دارد. نخستین ویرایش «آمریکانا» که بر اساس ویرایش هفتم

دایرةالمعارف «بروکهاوس» تدوین شده بود، در شانزده جمله و در فاصله سالهای ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۳ در فیلادلفیا منتشر شد. این ویرایش در سال ۱۸۳۷ تجدیدنظر شد و در سال ۱۸۴۸ یک جلد پیوست به آن افزوده گردید. در سال ۱۹۰۳ ناشر «آمریکانا» مدعی شد که طرحی نو در افکنده ولی هنوز بسیاری از مقالات ترجمه از دایرةالمعارف بروکهاوس بود، در سالهای ۱۹۱۸ - ۱۹۲۰ بار دیگر دایرةالمعارف «آمریکانا» مورد تجدید نظر قرار گرفت و در ۳۰ جلد منتشر شد و از آن تاریخ سیاست ویرایش و تجدیدنظر مداوم را در پیش گرفت.<sup>۷۹</sup>

در سال ۱۹۷۲ دوروتی کول<sup>۸۰</sup> دایرةالمعارفهای «آمریکانا» و «بریتانیکا» را با یکدیگر مقایسه کرد. بنا به مطالعه او، شباهت هر دو دایرةالمعارف در تأکید بر زمینه های دانش بشری یکسان است. در هر دو دایرةالمعارف، حدود نیمی از مطالب به علوم اجتماعی اختصاص دارد و بقیه تقریباً بین علوم انسانی و علوم تقسیم شده اند. تقریباً ۳۷ تا ۳۹ درصد مقالات در زمره زندگی نامه ها به حساب می آیند (به عنوان مثال مقاله بیماری سل که بیشتر به زندگی نامه «کنخ» پرداخته است). هر دو مجموعه به یک اندازه مصورند و تأکید آنها بر مناطق جغرافیایی و سیاسی یکسان است. البته همچنان که گفته شد «آمریکانا» بیشتر بر تاریخ و جغرافیای آمریکا و کانادا تأکید دارد، در حالی که «بریتانیکا» تاریخ و جغرافیای ملل مختلف را دربرمی گیرد. هر دو مجموعه دارای نمایه های موضوعی هستند و از آنجا که مقالات دایرةالمعارف «بریتانیکا» کوتاه است، استفاده از نمایه آن بسیار سهل تر است.<sup>۸۱</sup>

کول تفاوت های دو کتاب را به شرح زیر خلاصه می کند. «آمریکانا» بیشتر عامه پسند است و حتی اندیشه های سنجیده را با زبانی ساده مطرح می کند، در حالی که «بریتانیکا» بیشتر به کار متخصصان می خورد. در کار مرجع هم، آمریکانا برای دانشجویان سالهای اول دانشگاه و کارهای فوری و سریع بخش مرجع مفید است و «بریتانیکا» بیشتر به کار محققان می آید.<sup>۸۲</sup>

در قرن بیستم تحولات شگرفی در دایرةالمعارف نویسی رخ داد. در گذر سالهای ۱۸۹۰-۱۹۰۶ چاپ بروکهاوس از سوی انتشارات پترزبورگ مستتر شد و در سال ۱۹۲۶-۱۹۴۷ دایرةالمعارف عظیم و شصت و پنج جلدی اتحاد شوروی منتشر شد که در تدوین آن هشت هزار دانشمند شرکت داشتند و به تقریب تمام منابع فرهنگ نویسی را دربرمی گیرد. سپس با انتشار سالنامه هایی این دایرةالمعارف را تکمیل کردند.<sup>۸۳</sup>

در سال ۱۹۷۴ انتشارات کولیر (لندن) و مک میلان



(نیویورک) اقدام به ترجمه این دایرةالمعارف به انگلیسی کردند. این دایرةالمعارف برای موضوعات علوم اجتماعی - که از دیدگاه متخصصان شوروی تدوین شده - برای کسانی که بخواهند در زمینه علوم اجتماعی مطالعه تطبیقی انجام دهند حایز اهمیت است. در آمریکا در سالهای ۱۹۰۲ - ۱۹۰۴ چاپ اول "دایرةالمعارف بین‌المللی جدید" منتشر شد.<sup>۸۴</sup>

در اسپانیا طی سالهای ۱۹۰۵-۱۹۳۳ دایرةالمعارف بزرگ مصور به نام "Espasa"<sup>۸۵</sup> انتشار یافت که سپس با انتشار ضمیمه‌هایی در آن تجدید نظر شد. یک جلد کامل از این دایرةالمعارف به اسپانیا اختصاص دارد. دایرةالمعارف دیگر اسپانیا در ۱۹۵۵-۱۹۶۰ به نام "Enciclopedia Labor" منتشر شد. این دایرةالمعارف به سبب اینکه هر جلد آن به یک موضوع علمی اختصاص دارد، از شهرت خوبی برخوردار است. علاوه بر این دایرةالمعارفها، دایرةالمعارفهای دیگری نیز در اسپانیا منتشر شد.<sup>۸۶</sup>

در این قرن در فرانسه به‌جز انتشار ویرایش جدیدی از "لاروس" سه دایرةالمعارف دیگر منتشر شد. در ۱۹۳۵-۱۹۶۶ دایرةالمعارف فرانسه به صورت مجموعه پژوهشی به وسیله عده‌ای از دانشمندان و متخصصان منتشر شد و با ضمیمه‌هایی تکمیل گردید. هر یک از جلد‌های این دایرةالمعارف بیست و یک جلدی زیرنظر یک نویسنده متخصص در آن رشته منتشر شد. به عنوان مثال، یک جلد به تفکر منطقی، زبان و ریاضی اختصاص داشت. جلد سوم به فیزیک و جلد بیست و یکم فهرست مطالب است. اما یکی از جالب‌ترین دایرةالمعارفهای فرانسوی "دایرةالمعارف جهانی" است که با همکاری انجمن کتاب فرانسه و دایرةالمعارف "بریتانیکا" منتشر شد. در این اثر توجه خاصی به علم و تکنولوژی شده است.<sup>۸۷</sup>

"دایرةالمعارف جهانی" دستاورد همکاری چند کشور در نشر و فروش آن است. نمونه موفق از این مشارکت انتشار "دایرةالمعارف بین‌المللی بریتانیکا در ژاپن" است. در چین نیز می‌توان از "دایرةالمعارف مختصر بریتانیکا" یاد کرد. افزون بر این، در نتیجه چنین مشارکتی "بریتانیکا" در تایوان، کره و ترکیه نیز منتشر شد. نمونه موفق دیگری از این مشارکت "دایرةالمعارف جدید کاکستون" است که نخست در ایتالیا و سپس در بریتانیا منتشر شد. پس از آن ترجمه‌هایی از آن در فرانسه و اسپانیا انتشار یافت.<sup>۸۸</sup>

## ۲- دایرةالمعارف نگاری در خاور دور

### الف- در چین:

به عقیده بسیاری از دانشمندان تاریخچه

دایرةالمعارف‌نویسی در شرق طولانی‌تر از غرب است. نزدیک به دو هزار سال پیش چینها دایرةالمعارفهایی نگاشته‌اند. نخستین دایرةالمعارف معروف چینی "آینه امپراتور" نام داشت که در سال ۲۰۲ میلادی به دستور خساقان وقت چین تدوین شد. هیچ قسمتی از این دایرةالمعارف باقی نمانده است. قسمتی از "زنجیره مروارید ادبیات" در حدود ۶۰۰ آماده شد که هنوز موجود است. در ۵۵۷-۶۴۱ م یانگ هسون "گلچین ادبیات و هنر" را با صد بخش به‌وجود آورد. در سالهای ۷۳۵-۸۱۲ تویو کتاب "درک قوانین" را نوشت. این دایرةالمعارف نه بخش داشت که عبارت بودند از: اقتصاد، امتحانات، درجات، حکومت، تشریفات، جشنها، موسیقی، ارتش، قانون، جغرافیای سیاسی و دفاع ملی. در سال ۱۲۷۲ م توان‌لین ضمیمه‌هایی به این کتاب افزود. این ضمیمه‌ها در قرنهای هفدهم تا بیستم منتشر شدند.<sup>۸۹</sup>

غنی‌ترین و مهم‌ترین دایرةالمعارف چینها "دریای زاد" نام دارد که در حدود سال ۱۲۶۷ بوسیله ونگ بینک لاین تألیف شد و در سال ۱۷۳۸ در ۲۴۰ جلد تجدید چاپ گردید. اما بزرگ‌ترین دایرةالمعارف جهان که تاکنون تألیف شده "کتاب بزرگ" است که در آغاز قرن پانزدهم انتشار یافت. متأسفانه فقط قسمت کوچکی از ۲۲۹۳ فصل آن باقی مانده است که این فصول در سال ۱۹۶۳ منتشر شد.<sup>۹۰</sup>

کارهای دیگری نیز به فرمان خاقانهای چین انجام گرفته است. در ۱۷۲۶ دایرةالمعارفی با ویرایش شوآن منگلی در ۷۵۰ هزار صفحه منتشر شد که بیشتر به میراث فرهنگی هند اختصاص داشت.<sup>۹۱</sup>

قرن نوزدهم در چین نیز با تحولاتی در زمینه دایرةالمعارف‌نگاری همراه است. به سال ۱۸۰۴ م شینگ شوان دوم بیشتر به نگارش تاریخ و ادبیات کلاسیک چین پرداخت در حالی که چی شو بیشتر به شرح حال نگاری پرداخته است. در ۱۸۸۸ وی سانگز اول اثری تألیف کرد که در آن بیشتر به موضوعات عملی پرداخته شده بود.<sup>۹۲</sup> در ۱۹۰۵ توسط لیوچین تسا دایرةالمعارفی در چهارصد جلد انتشار یافت. در ۱۹۱۵ دایرةالمعارف جدید چین با سبکی جدید منتشر شد و اساس کار دایرةالمعارفهای بعدی قرار گرفت. در ۱۹۸۰ مقامات "دایرةالمعارف بزرگ چین" و "بریتانیکا" به توافق رسیدند که چاپ پانزدهم "بریتانیکا" را به چینی ترجمه و منتشر کنند. سرانجام در سال ۱۹۸۴-۱۹۸۵ دایرةالمعارف مختصر "بریتانیکا" در چین انتشار یافت.<sup>۹۳</sup>

### ب- در ژاپن:

در سالهای ۱۶۰۳-۱۸۶۷ در "ادو" یا "توکیوگاوا" نوعی

دایرةالمعارف منتشر شد که خلاصه کارهای عمده ژاپن و چین بود. در ۱۸۷۹-۱۹۱۴ دایرةالمعارفی به نام "کوجیرین" در پنجاه و یک جلد و در سال ۱۹۰۸-۱۹۱۹ "دایرةالمعارف بزرگ ژاپن" در ده جلد منتشر شد. این دایرةالمعارف به روش دایرةالمعارفهای جدید نگاشته شده بود و در آن موضوعات به روش علمی بررسی شده بودند. در سالهای ۱۹۲۶-۱۹۸۹ در دوران "شروا" دایرةالمعارفهای عمومی تری نوشته شد: "دای هییاکا" (۳۵ - ۱۹۳۱) در ۲۸ جلد، "کوکیمین هییاکا" (۱۹۳۷-۱۹۳۴) در پانزده جلد، "سکای دای هییاکا" در ۲۴ جلد، "ژاپنیکا" در نوزده جلد، و دایرةالمعارف بین المللی "بریتانیکا" (۱۹۷۲) در ۲۹ جلد شروع شد و در ۱۹۷۵ کامل گردید. بر خلاف بیشتر دایرةالمعارفهای ژاپنی زبان که مدخلهای کوتاه و ساده را شامل می شدند، این دایرةالمعارف ۲۵ جلدی افزون بر هزاران مدخل کوتاه، مدخلهای طولانی فراوانی داشت. همچنین در ۱۹۸۸ به طور کامل در آن تجدیدنظر و با انتشار ضمیمه‌هایی کامل شد.<sup>۹۲</sup>

### دایرةالمعارف نگاری در جهان اسلام

در جهان اسلامی نیز همچون یونان، فلاسفه بر همه علوم احاطه داشتند و از این رو، آثار بسیاری از آنها مجموعه و دایره‌های از دانشهای عصر خود بود. اگر دایرةالمعارف را با تعریف دقیق و مصطلح امروزی آن در نظر بگیریم، این آثار را به سختی می توانیم در زمره نخستین دایرةالمعارفها به حساب آوریم. خواه آنها که همه علوم و فنون را دربرمی گرفتند و خواه آنها که فقط شامل چند شعبه از علوم می شدند.<sup>۹۵</sup>

دایرةالمعارفها در جهان عرب به دو گروه عمده تقسیم می شوند: گروه نخست دایرةالمعارفهایی هستند که برای طالبان علم و برای کسانی که خواهان استفاده از میراث فرهنگی شان بوده‌اند، نوشته شده‌اند؛ گروه دوم برای مقامات و مدیران عرب نوشته شده‌اند. گروه دوم از دایرةالمعارفهای عربی زمانی به وجود آمدند که اعراب بر نواحی وسیعی از اطراف مدیترانه حاکمیت یافته بودند و برای اداره این سرزمین‌ها نیاز به اطلاعات داشتند.

قدیمی ترین دایرةالمعارف جهان عرب توسط ابن قتیبه (۲۱۳-۲۷۰ هـ) نوشته شد. ابن قتیبه ادیبی عالم به لغت و نحو، مأنوس با قرآن و معانی قرآن و شعر و فقه بود. "عیون الاخبار" ابن قتیبه در ده کتاب و به روشی خاص تنظیم شده است.<sup>۹۶</sup> با "کتاب السلطان" و "کتاب العرب" آغاز می شود و با "کتاب الطعام" و "کتاب النساء" پایان می پذیرد. «الحيوان» جاحظ (-۲۵۵ ق) را نیز از نخستین مجموعه‌های دایرةالمعارفی جهان اسلام شمرده‌اند.<sup>۹۷</sup>

ابن عبدربیع کارش را بر اساس کار ابن قتیبه تدوین کرد و مطالب جدیدی به آن افزود. از دایرةالمعارفهای مهم قرن چهارم در جهان اسلام "الفهرست" ابن ندیم است که تألیف آن در ۳۷۷ هجری به پایان رسیده است. این کتاب گنجینه‌ای است شامل تمام کتب مؤلفه و منقولۀ عالم اسلامی تا اواخر قرن چهارم هجری در هر علم و در هر فن و شرح حال مؤلفان و ناقلان و بسی فوائد دیگر چون تفصیل ادیان و مذاهب سالفین و ملل و نحل گذشته.<sup>۹۸</sup>

از دیگر دایرةالمعارفهای مهم عربی در قرن هفتم «محاضرة الابرار» اثر ابن عربی است. افزون بر این در قرن هشتم «مقدمه ابن خلدون» انتشار یافت که اغلب علوم آن دوره را شامل می شد. طرح ساختی آن بدین گونه است:<sup>۹۹</sup> فصل نخست این اثر به تاریخ جهان (تاریخ اعراب، ایرانیان و بربرها) اختصاص دارد.

قلقشندی که مصری بود در قرن هفتم هجری دایرةالمعارف بزرگ و مهم "صبح الاعشی" را در چهارده جلد منتشر کرد که موارد زیر را شامل می شد: جغرافیا، تاریخ سیاسی، تاریخ طبیعی، جانورشناسی، معدن شناسی، گیتی شناسی و سنجش زمان.<sup>۱۰۰</sup>

ابشیهی ادیب، فقیه و واعظ مصری قرن هشتم کتاب "المستطرف" را تألیف و تدوین کرد. این اثر مطالبی از قبیل: دین اسلام، رفتار، قانون، خصوصیات روح، کار، تاریخ طبیعی، موسیقی، غذا و دارو را شامل می شد.<sup>۱۰۱</sup> مورخ مصری النویری (۱۲۷۲-۱۳۳۲ م) یکی از بهترین دایرةالمعارفها را به نام "نهاية الارب في فنون الادب" در نه هزار صفحه تدوین و منتشر کرد. این اثر در پنج بخش به صورت زیر تدوین شده است:<sup>۱۰۲</sup>



۱. جغرافی، ستاره‌شناسی، هواشناسی، گاه‌شناسی و زمین‌شناسی
  ۲. انسان (آنانومی، فرهنگ عامیانه، رفتار و سیاست)
  ۳. جانورشناسی
  ۴. گیاه‌شناسی
  ۵. تاریخ
- در سالهای ۱۳۰۱-۱۳۴۸ شمسی "مسالك الابصار" (طریق بصیریت) را منتشر کرد که در مورد تاریخ، جغرافیا و شعر بود.

یکی دیگر از دایرةالمعارفهای اسلامی کتابی است به نام "دایرةالمعارف" که بطرس البستانی و پسرانش در ۱۸۷۶-۱۹۰۰ م تألیف و تدوین کردند. این اثر بعدها توسط محمد فرید وجدی (۱۹۲۳-۱۹۲۵ م) و سپس توسط فواد افزام البستانی (۱۹۵۶ م) تجدید چاپ شد. از دیگر دایرةالمعارفهای اسلامی می‌توان از "دستورالعلماء" اثر عبدالنبی احمد نگری، "مطلع‌المعلوم و مجمع‌الفنون" اثر واجد علی و "کشف اصطلاحات‌الفنون" علی تهانوی (قرن دوازدهم) نام برد.<sup>۱۰۳</sup> کشف اصطلاحات‌الفنون کتابی است به فارسی و عربی، در تعریف و شرح اصطلاحات رایج در علوم و کتابهای علمی و ادبی و اسلامی و یکی از مهم‌ترین و وسیع‌ترین دایرةالمعارفها در میان کتابهای مؤلفان اسلامی به‌شمار می‌رود. تهانوی که از فضیلتی حنفی مذهب هند است، در تدوین این کتاب، مجموعه‌ای از کتابهای علمی و ادبی و فرهنگنامه‌های علمی پیش از خود را در نظر داشته است و عین عبارت مؤلفان را، اغلب با ذکر نام کتاب مرجع، نقل می‌کند. چاپ کامل کتاب در سال ۱۸۶۲ از طرف انجمن آسیایی بنگال در کلکته صورت گرفته است که عیناً در تهران افست شده است.<sup>۱۰۴</sup> و همچنین می‌توان از "کشف‌الظنون" حاجی خلیفه نام برد. کتاب اخیر فهرست‌نامه‌ای است به زبان عربی، از نام کتابهای فارسی و عربی و ترکی تا زمان مؤلف. افزون بر این تعریقاتی از علوم مختلف در این اثر ارائه شده است. حاجی خلیفه در تألیف آن بیست‌سال وقت صرف کرده است. افزون بر دایرةالمعارفهای ذکر شده، دایرةالمعارفهای دیگری در جهان اسلام منتشر شده‌اند از جمله: "دایرةالمعارف آریانا" در افغانستان و ترجمه‌های مختلفی از دایرةالمعارف اسلام چاپ اروپا. دایرةالمعارف اخیر که در خارج از جهان اسلام چاپ شده اثری است محققانه ولی روشن است که محاسن آن نباید ما را گمراه کند و عیوب آن را نادیده بگیریم.<sup>۱۰۵</sup>

از دیگر دایرةالمعارفهای اسلامی می‌توان از "مفتاح‌السعادة" اثر احمد طالش کبری‌زاده (۹۰۱ - ۹۶۸ هـ ق) زندگینامه‌نویس مشهور عثمانی نام برد. "مفتاح‌السعادة" دایرةالمعارفی است در علوم و فنون، به زبان عربی که

کمال‌الدین طالش کبری‌زاده (پسر مؤلف) آن را در اوایل سده یازدهم از عربی به ترکی ترجمه کرد.<sup>۱۰۶</sup>

### دایرةالمعارف‌نگاری در ایران

تحول دایرةالمعارف‌نویسی در ایران را می‌توان به دو دوره مجزا تقسیم کرد:<sup>۱۰۷</sup>

۱. دایرةالمعارف‌نگاری از آغاز تا دوران معاصر؛
۲. تدوین دایرةالمعارف با ضوابط امروزی در ایران.

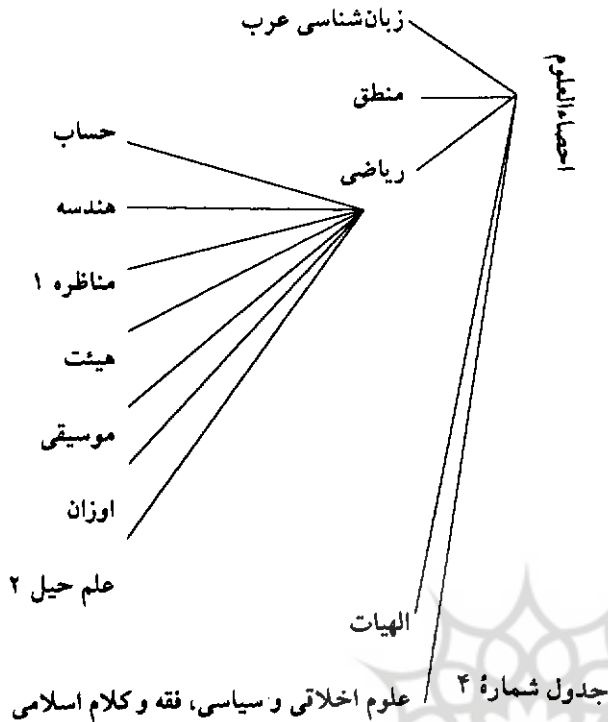
### الف- دایرةالمعارف‌نگاری از آغاز تا دوران معاصر:

قدیمی‌ترین دایرةالمعارف گونه که در ایران می‌شناسیم «دینکرت» است. این کتاب که مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب به زبان پهلوی است، در اصل در نه مجلد بود ولی اکنون از مجلدات نه‌گانه آن دو مجلد اول در دست نیست. نام اصلی این کتاب «زند آکاسیه» بود که در ادبیات پهلوی به «دینکرت» مشهور است. «زند آکاسیه» به دست آتورفرن یغ فرخواتان (آذرفرن یغ پسر فرخزاد) در قرن دوم و سوم هجری تدوین شد. «دینکرت» مجموعه‌ای بزرگ از اطلاعات دینی و عادات و عقاید و روایات و تاریخ ادبیات مزدیسنا است. مهم‌ترین فایده آن در این است که بیست و یک نسک اوستای عهد ساسانی در مجلد هشتم آن خلاصه شده است. در مجلد سوم این کتاب گذشته از بعضی مطالب تاریخی از احوال جمشید و قیام ضحاک بر او نیز سخن رفته است. در مجلد هفتم خصوصاً از تاریخ ایران قدیم از کیومرث تا کی‌گشتاسب و ظهور زردشت به تفصیل سخن رفته است. مجلد هشتم همان‌طور که اشاره شد شامل خلاصه‌ای از ۲۱ نسک اوستاست که مجموع نسکهای اوستا در عهد ساسانی بود. مجلد نهم هم متضمن خلاصه‌ای از مطالب مذهبی سه نسک اوستاست.<sup>۱۰۸</sup>

«دینکرت» از حیث حفظ روایات تاریخی و دینی و ملی و علمی ایرانیان چنان‌که در دوره ساسانیان و اوایل عهد اسلامی بوده، اهمیت بسیار دارد و مهم‌ترین مأخذی است که به یاری آن می‌توان راجع به تمدن ایران در عهد ساسانی اطلاعات ذی‌قیمتی به دست آورد. کتاب «دینکرت» در نوزده مجلد به دستور پشوتن سنجانا (۹ مجلد) و پسرش داراب سنجانا (۱۰ مجلد) با حواشی و ملاحظات و ترجمه انگلیسی و متن پهلوی و گجراتی در بمبئی چاپ شده است.<sup>۱۰۹</sup>

کتاب دیگری که در حکم یک دایرةالمعارف از اهمیت زیادی برخوردار است، «رسائل اخوان‌الصفاء» است. اخوان‌الصفاء و خلان‌الوفا گروهی از حکما و دانشمندان ایران بودند که در نیمه اول قرن چهارم هجری در شهر

تعریف دارد. خوارزمی در نگارش اثر خود، از روش لغت‌شناس عرب خلیل‌ابن‌احمد صاحب، "کتاب‌العین"



بصره در یک انجمن فلسفی گرد آمدند و هدف انجمن اخوان‌الصفاء آن بود که معرفت فلسفی را گسترش دهند و حکمت یونانی و دین اسلام را به هم نزدیک کنند. اینان برای آنکه بتوانند فارغ از مخالفت اهل دین و فلسفه در نشر عقاید خود موفق شوند، رسالاتی بی‌ذکر نام مؤلف می‌نوشتند. در این رسالات درباره همه شاخه‌های علم و فلسفه بحث شده است، با سبک آسان و روشن نوشته شده و برای نشان دادن وضع سنت فلسفی یونان در سده چهارم سند گرانبهایی به شمار می‌روند. در این رسایل تمایل اخوان‌الصفاء بیشتر به عقلای یونانی و فلسفه اسلام و هند است. "رسائل اخوان‌الصفاء" شامل تمام مسائل علوم منطقی و ریاضی و طبیعی و الهی و حکمت عملی است. این رسایل به چهار قسمت تقسیم شده‌اند:

۱. رسایل ریاضیه تعلیمیه، شامل چهارده رساله؛
۲. رسایل جسمانیه، طبیعی، شامل هفده رساله؛
۳. رسایل نفسانیه عقلیه، شامل ده رساله؛
۴. رسایل ناموسیة الهیه و شرعیه و دینی، شامل یازده رساله.

در پایان این رسالات، یک رساله که جامع تمام مسائل مذکور در رسالات فوق است آمده و در مقدمه آنها هم یک رساله در شرح مطالب هر رساله و دسته‌بندی و غرض از تألیفات آنها قرار داده شده است و بنابراین مجموع همه این رسالات به ۵۴ می‌رسد.<sup>۱۱۰</sup>

همچنین می‌توان از "احصاء‌العلوم" نوشته ابونصر فارابی (۲۶۰ - ۳۳۹ ه. ق) نام برد. "احصاء‌العلوم" کتابی است در تقسیم و تعریف علوم و ذکر فروع هر علم و تعریف آنها. این کتاب دایرة‌المعارف گونه‌ای از علوم و معارف روزگار فارابی است. کتاب دارای پنج فصل به شرح زیر است. فصل منطق این کتاب بسیار شهرت یافت. این کتاب از قدیم معروفیت بسزا پیدا کرد و سده دوازدهم میلادی، چندین بار به لاتین ترجمه شد.<sup>۱۱۱</sup>

#### محل قرار گرفتن جدول شماره ۴

در نیمه دوم سده چهارم، ابوعبدالله محمدبن احمدابن یوسف خوارزمی کتاب دایرة‌المعارف گونه در شرح لغات علمی به نام "مفاتیح‌العلوم" را تألیف کرد و آن را به وزیر نوح‌بن سامانی تقدیم کرد. خوارزمی اثر خویش را به دو قسمت مشخص "علوم مذهبی (عرب)" و "علوم غیرعرب" یا "علوم المعجم" تقسیم کرده است. اگر چه طرح و ساختار مفاتیح به گونه دایرة‌المعارف است اما محتوای آن یادآور کتابهای قاموس عربی مورد استفاده منشیان درباری است. خوارزمی در مقدمه کتاب، هدف خود را پرداختن به رشته‌هایی می‌داند که اصطلاحات آنها نیاز به

پیروی کرده است. به هر حال کار خوارزمی از دیدگاه طبقه‌بندی علوم بسیار حایز اهمیت است. به طور کلی طرح ساختنی "مفاتیح‌العلوم" به این صورت است:<sup>۱۱۲</sup>

در سالهای ۳۲۷-۳۴۴ ه. شمسیابن فریغون "جوامع‌العلوم" را نگاشته است. گرچه "مفاتیح‌العلوم"<sup>۱۱۳</sup> را خوارزمی پس از این کتاب نگاشته، ولی از وجود این کتاب بی‌خبر بوده است. "جوامع‌العلوم" دارای دو بخش مجزاست اما این بخش‌ها فاقد عنوان است. به طور کلی طرح ساختنی آن بدین گونه است:

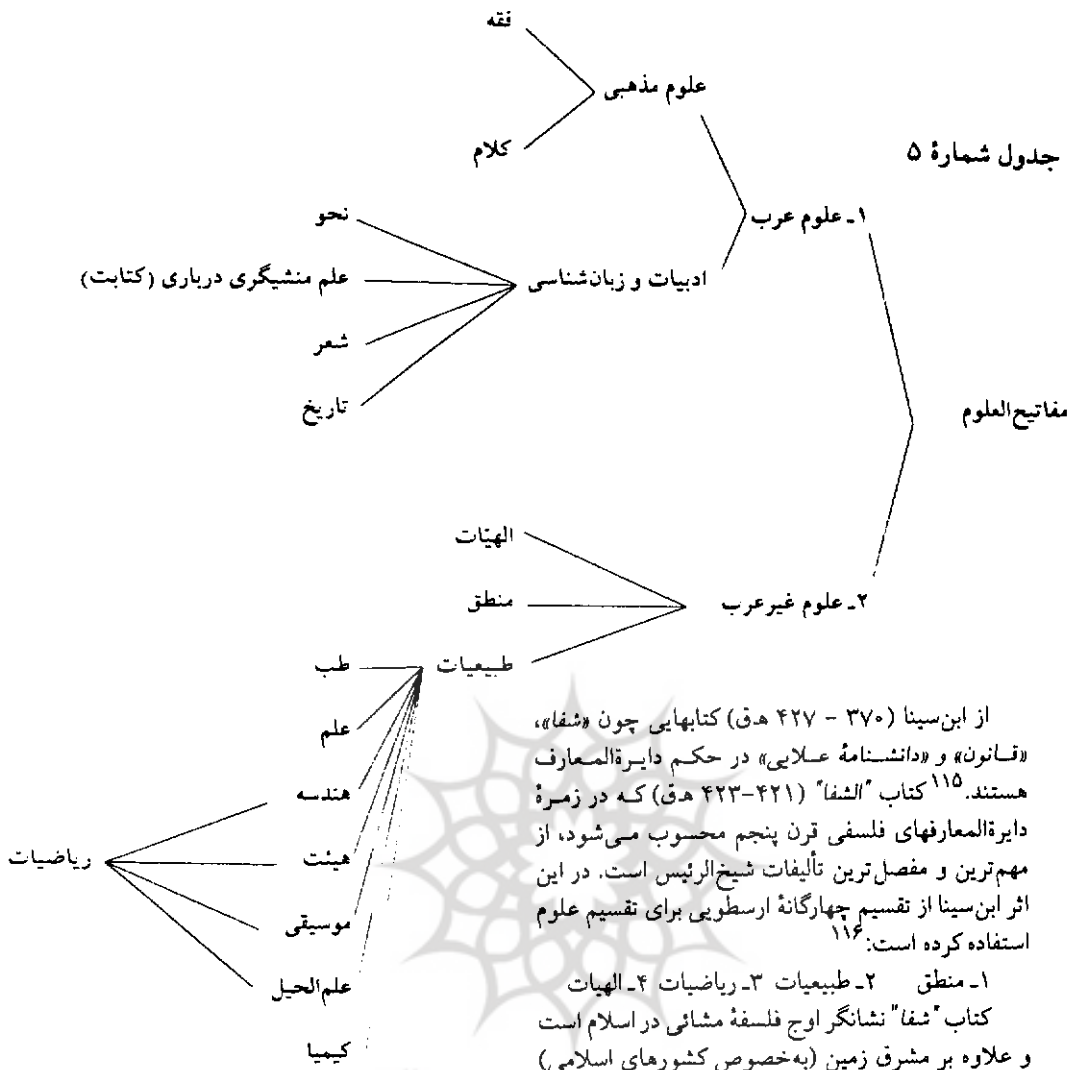
بخش نخست: نحو، آداب دبیران، خط، بایگانی، انشا، مکاتبات، خراج، برید، املاک و غیره، حساب، هندسه، موضوعات مذهبی، اخلاق، آداب ملوک، بیماریها.

بخش دوم: علوم سیاسی، فن حکومت، طبقات اجتماعی، وظایف مختلف اداری، امور مالی، اقلیتهای مذهبی، قضاوت، امنیت و غیره، فن جنگ، اخلاق، تدبیر منزل، علم کلام اسلامی، فقه، جدل، اعتقادات و فرق فلسفه نظری (منطق، نجوم، تعبیر خواب، علم قرأت، طبیعیات سه‌گانه، علوم خفیه، کیمیا).

همان‌طور که در طرح ساختنی این دایرة‌المعارف‌گونه پیداست در این اثر منطق روشنی در تفکیک علوم به کار نرفته است.<sup>۱۱۴</sup>

جدول شماره ۵

مفاتیح العلوم



از ابن سینا (۳۷۰ - ۴۲۷ هـ ق) کتابهایی چون «شفا»، «قانون» و «دانشنامهٔ علایی» در حکم دایرةالمعارف هستند. ۱۱۵ کتاب «الشفا» (۴۲۱-۴۲۳ هـ ق) که در زمرهٔ دایرةالمعارفهای فلسفی قرن پنجم محسوب می‌شود، از مهم‌ترین و مفصل‌ترین تألیفات شیخ‌الرئیس است. در این اثر ابن سینا از تقسیم چهارگانهٔ ارسطویی برای تقسیم علوم استفاده کرده است: ۱۱۶

۱- منطق ۲- طبیعیات ۳- ریاضیات ۴- الهیات  
کتاب «شفا» نشانگر اوج فلسفهٔ مشائی در اسلام است و علاوه بر مشرق زمین (به‌خصوص کشورهای اسلامی) در افکار فلاسفهٔ مدرسی قرن وسطی اروپا - از قبیل راجر بیکن، قدیس آلبرتوس کبیر و قدیس توماس آکویناس تأثیر داشته است. ۱۱۷

در دانشنامهٔ علایی (۴۱۴-۴۲۸ هـ) ابن سینا ریاضیات را به دو بخش هیئت و موسیقی تقسیم کرده و به این ترتیب برای نخستین بار این مضامین را وارد فارسی کرده است. پس از او این مضامین همواره مورد استفاده قرار گرفته است. ۱۱۸ ابن سینا نوشتن این اثر را به خواهش علاءالدوله کاکویه آغاز کرد. ولی جز به تألیف قسمت منطق و طبیعیات و الهیات توفیق نیافت و باقی را بعد از او، شاگرد وی، جوزجانی، با ترجمه کردن از آثار مختلف ابوعلی سینا برعهده گرفت. ۱۱۹ طرح ساختی «دانشنامهٔ علایی» این گونه است: ۱۲۰

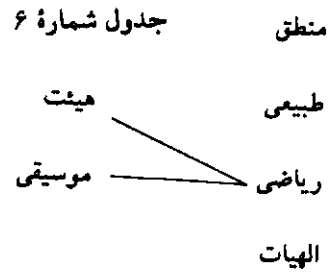
روش طبقه‌بندی علوم از سوی ابن سینا بر دانشمندان بعد از او تأثیر فراوانی داشت.

اثر دیگر ابن سینا «قانون» به زبان عربی است. این

کتاب دایرةالمعارف عظیمی مشتمل بر قریب یک میلیون کلمه است. «قانون» یکی از مهم‌ترین کتابهای طبی قرون وسطی به حساب می‌آید و مدت شش قرن همهٔ کتابهای طبی تحت‌الشعاع آن بود. ۱۲۱

«قانون» شامل پنج کتاب است و هر یک به چندین فن تقسیم شده است. کتاب اول در مورد کلیات طب، کتاب دوم در ادویهٔ مفرده، کتاب سوم در امراض جزویه‌ای که بر اعضای بدن از سرتا پا واقع می‌شود، کتاب چهارم در امراض جزویه‌ای که مختص عضوی نیستند و کتاب پنجم در ادویهٔ مرکبه. کتاب «قانون» توسط مرحوم «هه‌زار» به فارسی ترجمه شده و انتشارات سروش در تهران آن را منتشر کرده است. ۱۲۲

اسماعیل جرجانی به سال ۵۰۴ هجری قمری، «ذخیرهٔ خوارزمشاهی» را به نام قطب‌الدین محمد



فارسی می‌دانند. شاهمردان کتب مختلفی نوشته است از جمله "روضه‌المنجمین" در هیئت و "البدایع" به زبان عربی. به گفته خود او "نزهت نامه" بازنویسی "البدایع" به فارسی است. طرح ساختی این اثر در دو بخش به شکل زیر است: ۱۲۶

بخش اول: خواص و طبایع انسان، حیوان، نبات، جماد. بخش دوم: خواص و فواید حساب، نجوم، چند حکایت، هنرهای دستی، صنایع مختلف (۱- بیان، طبیعیات نظری، ۲- انواع علوم: علم اعداد و نجوم، ...، ۳- علم فواست، ۴- هواشناسی (آثار علوی)، ۵- تعبیر خواب، ۶- علوم و فنون مختلف).

"عجایب المخلوقات" که اثر احمد طوسی سلمانی است ساختی ادبی دارد و در واقع بازسازی دقیق طرح ساختی "طبیعیات ارسطویی" است ولی محتوای آن خیلی علمی نیست؛ و به غیر از نقل قولها از پیامبر اسلام و برخی حکایات تاریخی، نویسنده به توصیف جهانی خیالی پرداخته و میان قصص و اساطیر گم شده است. کتاب پر از حکایات مختلف است و به همین علت منبع پراهمیتی برای مطالعه ادبیات عامیانه ایران است. هیچ یک از آثار مذکور شاهمردان، یزدی دنیسری و طوسی را نمی‌توان دایرةالمعارف به معنی دقیق و علمی آن دانست. این آثار ضمن ارائه اطلاعاتی که از کتب علمی تلخیص شده در واقع برای سرگرم نمودن خواننده تألیف شده‌اند. به‌جز آثار مذکور می‌توان از آثار دیگری در ادبیات علمی ایران نام برد. از آن جمله: "کیهان‌شناخت" اثر قبطان مروزی، "حدودالعالم" از نویسندگانی ناشناخته در جغرافیا و "صورالاقالیم" اثر ابوزید بلخی یا "آثار العلوی"، "رساله شبکه" اثر اسفزاری رساله "قراضه طبیعیات" اثر غانمی. بدیهی است که نویسندگان عربی‌نویس و فارسی‌نویس ایرانی سهم عمده‌ای در ادبیات علمی دارند. ۱۲۷

دایرةالمعارف نویسی به معنی خاص آن از قرن ششم هجری آغاز می‌شود. در سالهای ۵۷۴ - ۵۷۵ هـ دایرةالمعارف فارسی "جامع‌العلوم" توسط فخرالدین رازی به نگارش درآمد. این کتاب که مجموعه‌ای است از علوم عقلی و نقلی، خطاب به خدمتگزاران درباری نوشته شده تا آنها به کمک این تقسیم‌بندی کلی، کتبی در مورد رشته‌های علوم تألیف کنند. چون در این اثر به شصت علم پرداخته شده آن را "کتاب سستی" نیز خوانده‌اند. تألیف این اثر گامی بلند در ساخت دایرةالمعارفهای فارسی بوده و طرح کلی ساختی آن بدین گونه است.

۱- علوم اسلامی: علم کلام، اصول فقه، علم جدل، علم اخلاقیات، علوم مذهبی، تاریخ، علوم ادبی، زبان‌شناسی.

۲- علوم فلسفی: منطق، طبیعیات، تعبیر خواب، علم

خوارم‌شاه تألیف کرد. این کتاب در موضوع طب، از مهم‌ترین کتابهای طبی قدیم و مهم‌ترین دایرةالمعارف پزشکی به زبان فارسی است. حجم و نیز سبک نگارش این کتاب آن را میان "قانون" و "حای" جای داده است. این کتاب مشتمل بر موضوعهای مختلف طبی و بهداشتی است از قبیل شناختن تب و سایر بیماریها و علاج آنها، علاج آماسها، تدبیر شکافتن و داغ کردن عضوی که تپه شود، تدبیر شکستگی و زهرها و پادزهرها. ذخیره گنجینه‌ای است که نه تنها نظریه‌های پزشکی قدیم در آن وجود دارد بلکه گنجینه داروشناسی نیز هست. از این لحاظ این مزیت اضافی را دارد که نام بسیاری از داروها و گیاهان دارویی به فارسی در آن آمده است. از ذخیره متنی به عربی موجود است. این کتاب به ترکی و عربی نیز ترجمه شده است. ۱۲۳

"بحرالفتاوی" (۵۵۲-۵۵۷) دایرةالمعارف گونه دیگری است که به قلم نویسنده‌ای ناشناخته نگاشته شده است. روش‌شناسی این کتاب نشان می‌دهد که اثر شامل دو بخش است: بخش نخست، موضوعهای مربوط به اسلام (از اصول رفتاری تا فقه اسلام و از احکام اسلام تا تاریخ آن) و بخش دوم به موضوعهای اخلاقی اختصاص دارد. نویسنده با افزودن حکایات و لطیفه‌هایی مربوط به مشاهیر، به کتاب جذابیت خاصی بخشیده است. ۱۲۴

دایرةالمعارف مذهبی دیگر به نام "یراقیت‌العلوم و دراری‌النجوم" توسط نویسنده‌ای ناشناخته از اهالی قزوین به نگارش درآمد. این اثر که قبل از سال ۵۷۳ هجری نگاشته شده، کتابی است که سی فصل دارد و هر فصل متضمن دوازده سؤال است. نویسنده در پاسخ به این پرسشها به موضوعهای مختلف علمی پرداخته است. بررسی روش‌شناسی کتاب نشان می‌دهد که کتاب دو بخش عمده دارد: بخش نخست آن علوم اسلامی و مذهبی است و بخش دوم به رشته‌های فلسفه نظری پرداخته است. ۱۲۵

"نزهت‌نامه علایی" دایرةالمعارف گونه‌ای است که در سالهای ۵۰۶-۵۱۳ هـ توسط شاهمردان ابن ابی‌الخیر رازی به نگارش درآمد. این اثر به زبان فارسی ساده نگاشته شده است. این اثر را نخستین "دایرةالمعارف عامیانه" زبان

فراست، طب، تشریح، صیدنه (داروشناسی) علم خواص (اشیا)، کیمیا، علم جواهر، طلسمات، فلاح، قلع آثار (پاک کردن پارچه‌ها)، بیطره (دامپزشکی)، مزاة (تربیت باز شکاری)، ریاضیات، فلسفه عملی (الهیات).<sup>۱۲۸</sup>

در تقسیم‌بندی کامل، بعضی از این رشته‌ها به رشته‌های دیگری تقسیم می‌شوند. در مجموع این اثر به علت تنوع و تعدد در موضوعات الگوری بسیاری از دایرةالمعارفهای بعدی قرار گرفت.<sup>۱۲۹</sup>

“فرخ‌نامه” دایرةالمعارف گونه دیگری است که در سال ۵۸۰ به وسیله ابوبکر المظهر جمالی یزدی نگاشته شده است. این اثر دو بار نوشته شده: نخستین نگارش آن شانزده فصل دارد اما در نگارش دوم خود نویسنده اثر را در هشت فصل تلخیص نموده است. طرح‌ساختی این اثر بدین گونه است:<sup>۱۳۰</sup>

- ۱- خواص مرد و زن و کودک، خواص طبی و غیره؛
- ۲- کاربرد و خواص (مرغان، حشرات، خزندگان)؛
- ۳- درختان، گیاهان عطری، سبزیها؛
- ۴- حشایش (علفها)؛
- ۵- صمغها؛
- ۶- سنگهای قیمتی، فلزات، سنگهای معدنی؛
- ۷- در شناخت گیاهان دارویی و خواص آنها؛
- ۸- روغن‌ها با علم فراست؛
- ۹- علم اکتاف، اصول نجوم و جداول آن؛
- ۱۰- اختلاج، جلد اول، ایام حیات و ممات، معنی کلمات پهلوی؛
- ۱۱- زهرها و پادزهرها؛
- ۱۲- چگونگی حل کردن طلا، مروارید، طلق و برنج؛
- ۱۳- حیل‌های سرگرم‌کننده، حیل‌های فن کتاب و خطاطی؛

- ۱۴- طرز تهیه مهرها و خواتیم و رابطه آنها با کواکب؛
  - ۱۵- دعوت کواکب و به کار گرفتن تأثیر آنها؛
  - ۱۶- شرایط دیگری برای امداد از تأثیر کواکب.
- “نوادراتبادر التحفة البهادر” که به اختصار “نوادراتبادر” گفته می‌شود، دایرةالمعارف گونه دیگری است در علوم طبیعی که به سال ۶۹۹ هجری به قلم شمس‌الدین دینسری به فارسی در دوره مغول نگاشته شده است. طرح ساختی این اثر دوازده فصلی تا حدودی با طرح‌ساختی “نزهت‌نامه” مشابه است ولی از بعضی جهات با آن فرق دارد، به ویژه که به تمامی رشته‌های فلسفه نظری پرداخته است.<sup>۱۳۱</sup>

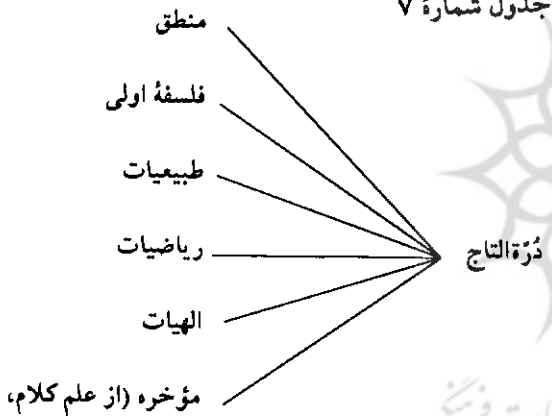
بین سالهای ۶۹۳ تا ۷۰۵ ه. ق. قطب‌الدین شیرازی کتاب “درةالتاج لغرة الدباج”<sup>۱۳۲</sup> مشهور به “انموذج‌العلوم” را به زبان فارسی تألیف کرد که نوعی دایرةالمعارف فلسفی است و در تدوین آن غیر از تحریرات قدیم ریاضی

و کتب ابن‌سینا، از تصنیفات شیخ اشراق و شاگردان او نیز ظاهراً استفاده کرده است.<sup>۱۳۳</sup> طرح ساختی این اثر دایرةالمعارف گونه به این صورت است:

از دیگر دایرةالمعارفهای قدیمی کتاب “نفایس‌الفنون فی عرایس‌العیون” از شمس‌الدین املی است درباره شرح موضوعهای علوم. این کتاب در حکم دایرةالمعارف جامع و مفصلی در علوم قدیم است که مؤلف آن را با نهایت تبحر و دقت نوشته و در همه ابواب چنانچه باید از عهده کار دشوار خود برآمده و مطالب غامض علمی را با انشایی درست و متقن به صراحت و روشنی بیان کرده است. تألیف این کتاب به سال ۷۳۶ هجری آغاز و در ۷۴۲ به انجام رسانیده است. “نفایس‌الفنون”<sup>۱۳۴</sup> متضمن بحث در هفتاد و پنج علوم از اوایل (علوم فلسفه) و هشتاد و پنج علم از علوم عهد اسلامی (علوم اواخر) است.<sup>۱۳۵</sup> طرح ساختی این اثر ارزشمند بدین گونه است:

دیگر دایرةالمعارفهای ایرانی را می‌توان به شرح زیر

#### جدول شماره ۷



#### حکمت و تصوف

برشمرد: “انموذج‌العلوم” جلال‌الدین دوانی (قرن نهم)، “انموذج‌العلوم” قاضی نورالله شوشتری (قرن دهم)، “دانشنامه شاهی” محمدامین استرآبادی (قرن ۱۱)، “بحارالانوار” محمدباقر مجلسی (قرن یازدهم) که می‌توان آن را دایرةالمعارف شیعه نامید.<sup>۱۳۶</sup>

همچنین به پیروی از “جامع‌العلوم” کتاب دیگری به نام “ریاض‌الابرار” یا “کتاب‌التسعینی” در سال ۹۷۹ ه. توسط حسین عقیلی رستم‌داری تألیف و تدوین شد که دایرةالمعارفی است که دیباچه‌ای بلند دارد. دیباچه با نام “ریاض‌الابرار” آغاز شده اما در متن چند جا به “کتاب‌تسعین” در برابر “جامع‌التسعینی رازی” اشاره کرده است.

کتاب دیگری که به پیروی از “جامع‌العلوم” رازی و “نفایس‌الفنون” املی نوشته شده است “جوامع‌العلوم



### ب- تألیف و تدوین دایرةالمعارف به معنی امروزی در ایران:

پیش از آنکه ایرانیان خود دست به تألیف فرهنگنامه یا دایرةالمعارف‌هایی به معنای امروزی بزنند تعدادی از خارجیان آثاری را درباره ایران و تمدن و فرهنگ ایرانی پدید آورده‌اند. اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی چند اثر ارزشمند به وسیله خاورشناسان چاپ و انتشار یافت. از آن جمله "فرهنگ ایران باستان" تألیف فردریک اشپیگل و "نامنامه ایرانی" اثر فردیناند یوستی است. اثر دیگری که باید نام برد "اساس فقه اللغة ایرانی" است. این اثر را عده‌ای از ایران‌شناسان برای شناخت زبانها، تاریخ، جغرافیا، ادبیات، مذاهب و گویشهای ایران تألیف کرده‌اند که البته بیشتر به معرفی زبانها پرداخته است.<sup>۱۴۰</sup>

"فرهنگ روستایی یا دایرةالمعارف فلاحتی" (۱۳۱۶-۱۳۱۷) مشتمل است بر تشریح زراعت، ملک‌داری، آبیاری، استفاده از رودخانه و قنات و چاه آرتزین، تربیت نباتات، دفع آفات، تربیت و نگهداری حیوانات، طرز ازدیاد محصول حیوانی، میوه خشک‌کنی، تهیه پوست، صنایع روستایی، درختها، جنگلها، حیوانات و پرندگان ایران. تنظیم آن قبایی است و ارجاعات متعدد دارد. سبک نگارش آن ساده و روان است و در مورد هر مدخل اطلاعات جامع و مورد نیاز آورده شده است. تنظیم مدخلها قبایی است که نام علمی پاره‌ای از مدخلها داخل پرانتز آمده است. نظام ارجاعی در این اثر به خوبی استفاده شده است.<sup>۱۴۱</sup>

اما دایرةالمعارف نگاری با ضوابط و معیارهای امروزی در ایران از سال ۱۳۱۷ هجری شروع شد. در این سال سعید نفیسی فرهنگنامه‌ای مشتمل بر لغات فارسی و

همایونی<sup>۱۳۷</sup> است که شامل بیش از صد رشته می‌شده و تنها چند فصلی از آن باقی مانده است. همچنین "دانشنامه شاهی" را محمد اخباری استرآبادی به پیروی از "جامع‌العلوم" نگاهشته است. در بررسی سر تحول تدوین و تألیف دایرةالمعارفها، دانشنامه‌ها، دایرةالمعارف گونه‌ها در ایران به آثار متعددی برمی‌خوریم که بررسی روش‌شناسی و طرح‌ساختی همه آنها نیاز به تألیف کتاب یا رساله‌ای مستقل دارد.<sup>۱۳۷</sup>

در میان این آثار با نظایر عربی‌شان اختلافهایی به چشم می‌خورد. ارزش دایرةالمعارفهای غربی بیشتر در شیوه گردآوری مطالب آن است و در آن کوشیده شده تا نمونه‌هایی جامع برای طبقه‌بندی علوم به دست داده شود اما هدف اصلی دایرةالمعارفهای فارسی، تلخیص متون عربی و تبدیل آن به آثار عامه فهم با کتابهایی سرگرم‌کننده برای مردمی بوده که عربی نمی‌دانستند با این همه چون در مواردی نویسندگان این دایرةالمعارفها سنتها و آداب منطقه خود را در درون آثارشان گنجانده‌اند، این آثار از جهت بررسی فنون زمانه و روحیات مردم در هر منطقه بسیار ارزشمند است.<sup>۱۳۸</sup>

دیگر دایرةالمعارفها در جهان اسلام و ایران را می‌توان بر اساس طبقه‌بندی ژيواوسل بررسی کرد. ژيواوسل بر اساس نوع‌شناسی دایرةالمعارفهای ایرانی را به پنج نوع تقسیم می‌کند.<sup>۱۳۹</sup>

- ۱- دایرةالمعارفهای علوم فلسفی؛
- ۲- دایرةالمعارفهای علوم مذهبی؛
- ۳- دایرةالمعارفهای علوم دیوانی (علوم اداری)؛
- ۴- دایرةالمعارفهای علوم طبیعی؛
- ۵- دایرةالمعارف به معنای دقیق کلمه (یعنی اثری که حاوی جامع معارف یک اثر خاص است).



اعلام ایرانی و خارجی را شروع کرد اما به سبب شروع جنگ جهانی دوم این کار متوقف شد.<sup>۱۲۲</sup>

این کتاب حاوی مطالب مختصری در باب علوم و فنون و تعریف اصطلاحات علمی، نامهای تاریخی و جغرافیایی ایران پیش از اسلام و پس از اسلام، بزرگان تاریخ و پادشاهان و مردان سیاسی و دانشمندان و نیز نامهای تاریخی و جغرافیایی کشورهای دیگر است. در مقدمه اثر شرح کوتاهی درباره دایرةالمعارف نویسی در ایران و سایر کشورهای جهان آمده است. همچنین هویت دستوری واژه‌ها، تلفظ، معانی حقیقی و مجازی و مترادفات را در صورت لزوم با آوردن شاهد و مثال بیان می‌کند.<sup>۱۲۳</sup>

در سال ۱۳۲۴ هجری مجلس شورای ملی طبع و انتشار "لغت‌نامه" دهخدا را تصویب کرد. علامه دهخدا در ضمن شرح لغات به شرح اعلام تاریخی و جغرافیایی نیز پرداخته است و دکتر محمد معین و دکتر سیدجعفر شهیدی - که پس از دهخدا عهده‌دار کار بودند - نیز بنا به وصیت خود او کار را به همان شیوه دنبال کرده‌اند. لذا این اثر ارزشمند را می‌توان هم لغت‌نامه و هم دایرةالمعارف دانست. حسن کار او این است که آنچه می‌گوید برای آن شاهد و گواه ذکر می‌کند. البته از جنبه دایرةالمعارفی کار ناقصی است.<sup>۱۲۴</sup>

در سال ۱۳۲۷ هجری سید حسن تقی‌زاده برای ترجمه چاپ اول "دایرةالمعارف اسلام" عده‌ای از دانشمندان را گرد هم آورد. مقالاتی از "دایرةالمعارف اسلام" توسط این عده ترجمه شد اما به چاپ نرسید.<sup>۱۲۵</sup> در سال ۱۳۳۳ هجری مؤسسه انتشارات "فرانکلین" تهران تصمیم گرفت که ترجمه‌ای از "دایرةالمعارف وایکینک" را چاپ و منتشر نماید. این کار به عهده غلامحسین مصاحب گذاشته شد. وی عده‌ای از دانشمندان ایرانی را دعوت کرد و تصمیم گرفت که مقالات مربوط به ایران را از نو تألیف نماید تا مطالب آن برای فارسی‌زبانان مناسب و سودمند باشد. در سال ۱۳۴۵ هجری جلد نخست (الف تا س) منتشر شد. به دنبال کناره‌گیری مصاحب، با پیگیری رضا اقصی جلد دوم آن (س - ل) در سال ۱۳۵۹ و جلد سوم در سال ۱۳۷۴ چاپ و منتشر شد. در روش‌شناسی این کار مهم باید گفت که تنظیم آن الفبایی است و ضوابط دقیق فارسی نویسی و دایرةالمعارف نویسی در آن رعایت شده است. مصاحب در مقدمه اثر می‌گوید: "برای نخستین بار در ایران کوشش شد تا نظامی برای مراحل و مسائل مختلف مربوط به دایرةالمعارف - از قبیل ضبط عناوین، تنظیم مقالات، ضبط تلفظ‌ها، علامات اختصاری، نقطه‌گذاری، نقل اعلام خارجی به زبان فارسی، ارجاعات و غیره به وجود آید.

این نظام وضع و در سراسر کتاب از آن پیروی شد.<sup>۱۲۶</sup> مباحث آمده در "دایرةالمعارف اسلامیة ایران و

همگی معارف شیعة امامیه اثنی عشری" (۱۳۳۶-۱۳۴۰) مربوط است به عقاید و افکار، ادوار سیاسی و ادبی، تاریخ شهرها و ممالک، آثار ادبی و مادی، شرح حال مردمان نامی، علمی و سیاسی و کتابهای خطی و چاپی از آغاز تشکیل فرقه شیعة امامیه تا زمان تدوین این اثر. در پایان هر جزء بخشی با عنوان "مستدرک" آمده است، برای مثال: مستدرک جزء اول شامل همگی معارف ایرانی از اهل سنت و غیر از فرقه امامیه است. این کتاب نخستین کوشش در تدوین یک دایرةالمعارف به معنای قدیم و جدید کلمه است. تدوین این دایرةالمعارف به ظاهر چندان دقیق نیست، برای نمونه به شیوه قدما در بسیاری موارد معاریف و بزرگان هر شهر و منطقه را ذیل جغرافیای آن شهر یا منطقه می‌آورد. دیگر اینکه به مناسبت نداشتن سیستم ارجاعی دقیق، بعضی اشخاص را با دو نام وارد کرده و دو مقاله مختلف یا مشابه برای آنها نوشته است.<sup>۱۲۷</sup>

کتابهای شیعی نیز در این دایرةالمعارف معرفی شده ولی اشکالش این است که خیلی کوتاه و کم اطلاع است و فقط به ذکر موضوع و نام مؤلف آن اکتفا می‌کند. اما گاه بدون دلیل نقد کتابهای مفصل در این دایرةالمعارف به میان می‌آید، نظیر نقد بر "لغت‌نامه دهخدا" و نقد بر "خاندان نوبختیان" عباس اقبال. از مقالات قابل توجه این دایرةالمعارف، مقاله مربوط به مساجد جامع شهرهای مختلف ایران است در حدود سی صفحه. از اشکالات این دایرةالمعارف این است که گاه مقالاتی در آن آمده که ربطی به شیعة اثنی عشری ندارد. نظیر مقاله میرزا فتحعلی آخوندزاده و مقاله جلفا (محلۀ ارمنی نشین اصفهان).<sup>۱۲۸</sup> "کتاب ایرانشهر" در سالهای ۴۳ - ۱۳۴۲ ه. ش با مطالب اختصاصی درباره ایران چاپ و منتشر شد. این اثر در چهار فصل تنظیم شده است:

۱- جغرافیای طبیعی و انسانی؛

۲- تاریخ سیاسی و فرهنگی؛

۳- سازمان‌های اداری و اجتماعی؛

۴- اقتصاد و عمران.

هر فصل مقالات طولانی دارد و در پایان یک نمایه تفصیلی برای کل آن در نظر گرفته شده است.<sup>۱۲۹</sup> در سال ۱۳۴۸ هجری بار دیگر ترجمه دایرةالمعارف اسلام اثر آغاز شد و چون کاستیهای زیادی درباره ایران در دایرةالمعارف وجود داشت، تعدادی از مقالات دوباره تألیف و تدوین گردید و سرانجام با نام "دانشنامه ایران و اسلام" منتشر شد. مقالات دانشنامه مشتمل است بر مباحث مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، جغرافیا، تاریخ،

مذاهب و زبانها، علوم، ادبیات، هنرهای ایران و عالم اسلام، سرگذشت‌نامه‌های بزرگان ایرانی و اسلامی به طور کلی روش‌شناسی مباحث آن عبارت است از: ۱۵۰

الف) مباحث عمومی؛

ب) اعلام تاریخی؛

ج) اعلام جغرافیایی؛

د) مصطلحات فنی.

در مقدمه دانشنامه در معرفی آن آمده است: "دانشنامه ایران و اسلام" دایرةالمعارف است در تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران و جامعه اسلامی از کهن‌ترین ایام تا دوران معاصر. در عمل، دانشنامه مجموعه‌ای از مقالات تحقیقی و مستند است، به ترتیب الفبایی، در شرح اعلام تاریخی و جغرافیایی و مباحث علوم و نیز اصطلاحاتی که روشنگر فرهنگ ایران و کشور اسلامی در طی تاریخ به شمار می‌روند. در مقدمه دانشنامه دلایل انتخاب این نام به جای دایرةالمعارف آمده است: «نام دانشنامه به دلایل زیر بر دایرةالمعارف ترجیح داده شد: ۱۵۱

۱- معنی آن منطبق با مقصود است.

۲- عنوانی است که کوتاه‌تر و آسان‌تر تلفظ می‌شود.

۳- با شیوه نشر معاصر و سلیقه‌ای که به تازگی در

نام‌گذاری غلبه دارد، هماهنگ است.

۴- در زبان فارسی پیشینه‌ای کهن دارد، مانند دانشنامه‌های "دانشنامه شاهی".

"بخوانید و بدانید" از حبیب‌الله شاملویی که در سال ۱۳۴۹ در تهران به چاپ رسید حاوی اطلاعاتی درباره تاریخ و جغرافیا، شعر، نویسندگان، نقاشان، موسیقی‌دانان، سیاستمداران، سرداران، رجال و زنان مشهور ایران و جهان، برندگان جوایز نوبل، مقیاس‌ها و اوزان است. بخش پایانی کتاب به فهرست مندرجات این اثر اختصاص دارد. ۱۵۲

جلد اول "دایرةالمعارف موضوعی دانش بشر" (۱۳۴۹) شامل بخشهای ریاضی، فیزیک، نجوم، شیمی، طبیعی، فلسفه، روان‌شناسی، اساطیر، اقتصاد، سیاست، تاریخ، جغرافیا و غیره است و جلد دوم به فهرست اعلام اختصاص دارد. در مقدمه این کتاب شرح مختصری درباره اهمیت دایرةالمعارف آمده و به نمونه‌های ایرانی و خارجی اشاره شده است. سیاهه منابع از قلم افتاده در ابتدای کتاب آمده است. ۱۵۳

"برندگان ایران" اثر درک اسکات که توسط سازمان حفاظت محیط زیست در سال ۱۳۵۴ منتشر شد، افزون بر معرفی ۴۹۰ گونه پرنده، حاوی مطالبی در زمینه مهاجرت، شناسایی، روشهای مطالعه زندگی پرندگان و توپوگرافی است. پرندگان در داخل خانواده‌ای که به آن تعلق دارند، مورد بحث قرار می‌گیرند. در هر مدخل نام علمی خانواده

## کتابهای شیعی نیز در این دایرةالمعارف معرفی شده ولی اشکالشن این است که خیلی کوتاه و کم اطلاع است و فقط به ذکر موضوع و نام مؤلف آن اکتفا می‌کند

و نام علمی پرنده، نام انگلیسی و فرانسه آن پرنده آمده است. شماره‌های سمت چپ مدخلها شماره تصویر و شماره‌های سمت راست شماره پرنده مورد نظر در همان تصویر است. در این کتاب همچنین نقشه پراکنندگی دیده می‌شود که در آن ۴۴۳ گونه از پرندگانی که در ایران یافت می‌شود، آمده است. در فهرست اسامی فارسی و لاتین این اثر، شماره‌های آزاد ارجاع به مطالب دارند و شماره‌های داخل پرانتز مربوط به نقشه‌های پراکنندگی است. ۱۵۴

"جنگلها، درختان و درختچه‌های ایران" از حبیب‌الله ثابتی که سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی در سال ۱۳۵۵ به چاپ رسید در چهار فصل تنظیم گردیده است که به ترتیب به مباحثی چون: نام‌گذاری علمی نباتات، نامهای فارسی درختان، اجتماعات گیاهی ایران و درختان و درختچه‌های ایران، می‌پردازد. مترادف آنها، در صورت موجود بودن، ذیل نام اصلی با علامت (= مساوی) تحت شماره ترتیب نشان داده شده است. نام تیره هر یک از گونه‌ها با علامت اختصاری Fam (به معنی خانواده) و نامهای فرانسه، انگلیسی و آلمانی آنها ذکر شده است.

به منطقه انتشار و پراکنندگی درختان و مشخصات گونه‌هایی که حائز اهمیت است و همچنین به موارد استعمال محلی آنها اشاره می‌شود. پراکنندگی هر یک از درختان و درختچه‌های کشور در روی نقشه ایران نمایش داده شده است. کتاب در کل شامل ۷۱۱ گونه است که ۵۰۳ گونه آن را درختان و درختچه‌های بومی و ۲۰۸ گونه دیگر را درختان و درختچه‌های خارجی تشکیل می‌دهد. ۱۵۵

"دایرةالمعارف یا فرهنگ دانش و هنر" (۱۳۵۷) شامل ده بخش عمده ادبیات، هنر، تاریخ، جغرافیا، علوم، فلسفه، ادیان، اساطیر و مطالب گوناگون و ضمیمه است. افزون بر فهرست مندرجات تفصیلی که بیانگر رئوس کلیه مطالب است، فهرستهای جامع و کاملی نیز برای استفاده

آسان‌تر در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از: فهرست الفبایی نام‌های ادبی، تاریخی، هنری، علمی، اساطیری و فهرست الفبایی مطالب جغرافیایی.<sup>۱۵۶</sup>

در سال ۱۳۵۷ نیز "فرهنگنامه جهان دانش (فرهنگ دانستنیها)" از محمد نژند به چاپ رسید. این کتاب حاوی اطلاعات گوناگونی است در خصوص تاریخ فرهنگ، تمدن بشر، دین، فلسفه، ادبیات، موسیقی، نقاشی، سینما، عکاسی، آموزش در ایران معاصر، دانش، صنعت، جغرافیا، دانستنیهای اقتصادی، تاریخچه اعزام دانشجویان به خارج، ورزش، معماری، تئاتر، و بخشهای گوناگونی در باب فیزیک، کتابخانه‌ها، شیلات، زلزله، ویتامینها و عجایب هفتگانه. منابع و مأخذ کتاب در ابتدا و فهرست مندرجات در صفحات پایانی آمده است.<sup>۱۵۷</sup>

آذین‌فر "دایرةالمعارف زرین" یا "اطلاعات عمومی" را در سال ۱۳۵۸ به چاپ رسانده، این کتاب شامل دانستنیهایی است مانند: تاریخ و جغرافیای جهان، تاریخ علوم، فلسفه، نجوم، اکتشافات و اختراعات مهم، عجایب هفتگانه و شرح حال مشاهیر و چهره‌های علمی، ادبی، هنری و سیاسی جهان. همچنین دارای فهرست اسامی اشخاص و نام‌های جغرافیایی نیز هست. در مقدمه این اثر، صورتی از دایرةالمعارفهای گوناگون باستانی ایران بر حسب تاریخ و برای نمونه درج گردیده است.<sup>۱۵۸</sup>

"دایرةالمعارف علوم اسلامی (قضایی)" از محمدجعفر جعفری لنگرودی (۱۳۵۹) مشتمل است بر آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری، ادله اثبات دعوی، امور حسبیه و سازمان قضایی. موضوعهای اصلی به ترتیب الفبایی مرتب شده‌اند و ذیل هر یک از آنها موضوعات فرعی به طور جداگانه قرار گرفته‌اند.<sup>۱۵۹</sup>

از سال ۱۳۶۰، هیئت امنای بنیاد اسلامی طاهر (مؤسسه خیریه‌ای در قم) به فکر تدوین و تألیف دایرةالمعارفی از معارف و فرهنگ شیعه افتاد و با دعوت از فضلا و دانشمندان به این کار مهم مبادرت ورزید. این دایرةالمعارف عظیم نزدیک به بیست هزار مقاله تألیفی

## "دانشنامه جهان اسلام" به کل آنچه درباره

جهان اسلام است توجه دارد و آن عبارت

است از معارف اسلامی و واقعیتهای مربوط

به مسلمانان در طول تاریخ و درگستره

جغرافیایی امروز جهان

دارد و در موضوعهایی از قبیل علوم قرآنی، حدیث، رجال حدیث، فقه و اصول فقه، زندگی‌نامه علمای تاریخ و جغرافیای اسلام و ایران، ادبیات عرب، ادبیات و شاعران فارسی‌زبان شیعه، هنر و باستان‌شناسی، خاندانهای شیعه، فلسفه، کلام، منطق، تاریخ تشیع در جهان اسلام، به ویژه شبه‌قاره هند و نظایر آن نگاشته شده است. در تألیف این اثر ضوابطی خاص به شرح زیر رعایت شده است:<sup>۱۶۰</sup>

- ۱- تحلیل و توضیح کلمات اساسی قرآن و نهج البلاغه و آثار ائمه معصومین؛

- ۲- شرح احوال چهارده معصوم (ع) و شیعیان از صحابه و رجال حدیث و فقه و اصول و تفسیر و کلام و حکما و عرفا و شعرا و علمای تاریخ و جغرافی و سیاستمداران و هنرمندان و دانشمندی که توجه خود را به علوم محض معطوف داشته‌اند؛

- ۳- توصیف و معرفی کتب مهم شیعه؛

- ۴- توضیح و تحلیل اصطلاحات در کلیه معارف تشیع؛

- ۵- معرفی آثار و ابنیه مهم؛

- ۶- معرفی خاندانهای مهم تشیع؛

- ۷- توصیف نهادهای اجتماعی؛

- ۸- توصیف شهرها و بلاد و مراکز شیعه‌نشین در کل جهان اسلام و خارج از آن.

زبان دایرةالمعارف ساده و مقالات قابل استفاده برای اهل علم و مطالعه است و در نگارش مقالات ارتباط آنها با شیعه مورد نظر بوده است.

در "دایرةالمعارف ادبی" عبدالحسین سعیدیان (۱۳۶۳) هدف خود را از ترجمه و تألیف این کتاب آشنا کردن خوانندگان با فراز و نشیب اوضاع ادبی ملل و اقوام باستانی تا عصر حاضر و نگاهی اجمالی به تحولات ادبی از قدیمی‌ترین ایام تا امروز از همه کشورها بیان کرده و به این منظور بیش از پانصد مقاله در این کتاب آورده است. همچنین پنجاه طرح، رمان، نمایشنامه، منظومه و بیست قطعه از بیست ملت ترجمه و در کتاب آمده است. در این دایرةالمعارف نخست به اجمال از ادبیات قاره‌ها سخن رفته است و در هر یک از مقالات مربوط به قاره‌ها، با اشاره به ادبیات ملت‌هایی که در این قاره‌ها به سر می‌برند و سرچشمه‌های ادبی‌شان و سیر تکاملی آنها بیان شده است.<sup>۱۶۱</sup>

"دایرةالمعارف بزرگ اسلامی" که هم‌اکنون نه مجلد آن از مجموعهٔ چهار جلدی در اختیار همگان قرار دارد، دایرةالمعارفی است تخصصی و منحصر به جهان اسلام مشتمل بر علوم قرآنی، اصول عقاید، کلام، فقه، حدیث، درایه، رجال، اخلاق، ادیان، ملل و نحل، منطق، فلسفه، عرفان، ادبیات، هنر، مردم‌شناسی، معماری و آثار

اسلامی، تاریخ، جغرافیا، ریاضیات، نجوم و طب. در  
تحریر مقالات افزون بر ضوابط و اصول  
دایرةالمعارف نویسی، صحت و دقت علمی، ضوابطی در  
تحریر مقالات به کار رفته است که البته بعضی از این  
ضوابط نیاز به تجدید نظر دارند.<sup>۱۶۲</sup>

«دانشنامه جهان اسلام» به کل آنچه درباره جهان اسلام  
است توجه دارد و آن عبارت است از معارف اسلامی و  
واقعتهای مربوط به مسلمانان در طول تاریخ و در گستره  
جغرافیایی امروز جهان. به تعبیر دیگر، «دانشنامه جهان  
اسلام» شامل اهم جنبه‌های فرهنگی و تمدنی اسلام  
است، اعم از جنبه‌های تاریخی و جنبه‌های معاصر.<sup>۱۶۳</sup>

دانشنامه نزدیک به دوازده هزار مدخل دارد. ملاک  
گزینش این مدخلها اهمیت، اشتها و سرانجام فضل تقدم  
است. دانشنامه از گونه دانشنامه‌هایی است که به آنها  
quick referece گفته می‌شود زیرا قابل استفاده همگان  
است. از این رو حجم چندانی ندارد.<sup>۱۶۴</sup>

محور کار «دایرةالمعارف علوم عقلی اسلامی» بر  
اساس آنچه در اساسنامه آمده، به فلسفه، کلام، منطق و  
عرفان اسلامی محدود خواهد بود و مقالات تخصصی  
درباره موضوعها، اصطلاحات، مکاتب، اعلام و کتابهایی  
که در این محورها نوشته شده‌اند، با شیوه ویژه  
دایرةالمعارفهای تخصصی نوشته خواهد شد.<sup>۱۶۵</sup>

هدف «دایرةالمعارف نخبگان خاورمیانه» عبارت از  
شناساندن نخبگان عمل و اندیشه خاورمیانه در زمینه‌های  
سیاسی، اقتصادی، نظامی، و گاه مذهبی، فرهنگی و  
اجتماعی در یک مجموعه واحد است. ویژگیهای مربوط  
به روند زندگی حرفه‌ای و اداری و فرهنگی نزدیک به  
یکهزار نفر از سرشناسان مطرح کشورهای خاورمیانه و  
شمال آفریقا در زمینه‌های یاد شده به خوانندگان شناسانده  
و سه گروه از این شخصیتها در این مجموعه معرفی  
می‌شوند. در ضمن در کنار این سه گروه، گروه دیگری نیز  
مطرح خواهند بود.<sup>۱۶۶</sup>

گروه نخست، که اکثریت را تشکیل می‌دهند، شامل  
کسانی می‌شوند که مسئولیت اداره کشور خود را در  
زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و  
گاه فرهنگی برعهده داشته‌اند.

گروه دوم، شامل شخصیتهایی است که جنبشهای  
آزادی‌خواهانه منطقه را علیه نفوذ و تسلط استعمار بر  
کشورهایشان رهبری کرده‌اند.

گروه سوم، به رغم اندک بودن شمار افراد آن، شامل  
کسانی است که در بسیاری از تحولات مهم منطقه به نحو  
مستقیم یا غیرمستقیم به نفع استعمار وارد عمل شدند که  
خود دو دسته بوده‌اند: خارجی و بومی. محدوده تاریخی  
گزینش افراد بیشتر از ابتدای قرن بیستم تاکنون و در

مواردی بنا به ضرورت، از اواخر قرن نوزدهم خواهد  
بود.<sup>۱۶۷</sup>

دایرةالمعارفهایی نیز در شرف تدوین‌اند که عبارت‌اند  
از: «زندگینامه علمی دانشوران»، «دایرةالمعارف  
کتابخانه‌های جهان»، «دایرةالمعارف انقلاب اسلامی»،  
«دایرةالمعارف موضوعات و مفاهیم قرآن کریم»،  
«دایرةالمعارف امام حسین»، «دایرةالمعارف امام سجاده»،  
«دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی»، «دایرةالمعارف  
زندگینامه دانشوران»، «دایرةالمعارف دانشنامه متکلمین  
اسلامی»

### ج - تاریخچه دایرةالمعارف نگاری برای کودکان در ایران:

این کار در ایران سابقه چندانی ندارد. نخستین گام در  
این راه ترجمه «فرهنگ نامه طلایی» برتامورس پارکر  
توسط رضا اقصی بود. در این فرهنگنامه هجده جلدی که  
در سال ۱۳۴۶ در تهران چاپ و منتشر شد، یک جلد در  
باب مسائل ایران تألیف و بقیه ترجمه شده بود.<sup>۱۶۸</sup>

این فرهنگنامه نزدیک به هزار و پانصد مقاله در  
زمینه‌های مختلف علمی، ادبی، تاریخی، جغرافیایی و  
غیره را دربرمی‌گیرد. زبان و بیان مقالات ساده و روان  
است. معیارهایی از قبیل صحت مطالب، رعایت اصول  
دایرةالمعارف نویسی، جذابیت‌های بصری در آن رعایت  
شده اما به دلیل اینکه ترجمه اثر امریکایی است و هویت  
ایرانی ندارد، پاسخگوی نیاز خواننده کودک و نوجوان  
ایرانی، به ویژه در دوران تحولات شگرف اجتماعی،  
علمی و فرهنگی در ایران و جهان، نیست.<sup>۱۶۹</sup>

کوشش دیگر در این زمینه، تألیف و تدوین انتشار  
«دایرةالمعارف خردسالان» در سال ۱۳۵۰ ه. ش به وسیله  
مهرداد مهرین است. این اثر حاوی مطالب خواندنی برای  
خردسالان است. از آن جمله: مطالبی درباره منظومه  
شمسی و جغرافیای جهان، شگفتیهای جهان جانوران،  
خواص ویتامینها، میوه‌جات و سبزیجات، داستانهای  
کودکان و فولکور، چیستان، قطعاتی از شاهکارهای ادبی  
ایران و جهان، ورزش، عجایب جهان، اختراعات، ادبا و  
شعرا، جهان، مشاهیر جهان. اما این دایرةالمعارف هم  
بیشتر گردآوری اطلاعات عمومی است و نه یک  
دایرةالمعارف به مفهوم دقیق و علمی آن. هیچ یک از  
اصول و معیارهای دایرةالمعارف نویسی، به ویژه معیارهای  
خاص دایرةالمعارف کودکان، در آن رعایت نشده  
است.<sup>۱۷۰</sup>

مهم‌ترین و اساسی‌ترین گامی که در این راه برداشته  
شد، تألیف «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان» بود که پیشنهاد  
تألیف آن از سوی ایرج جهانشاهی در شورای کتاب کودک

42. Vincent of Beauvais  
۴۳. همان‌جا.  
۴۴. نورالله مرادی، ص ۸۶.  
۴۵. محمدحسین قرشی، ص ۲۲.

46. Caxton  
47. Ong - lo - tatine  
48. Ringriberg of basel  
۴۹. نورالله مرادی، ص ۸۶.  
۵۰. محمدحسین قرشی، ص ۲۲.  
۵۱. همان‌جا.

52. Johann Heinrich Alsted  
53. Pierre Bayle  
54. Luid Morei  
۵۵. نورالله مرادی، ص ۸۷.

56. coronelli  
۵۷. همان‌جا.

58. Chambers  
۵۹. محمدحسین قرشی، ص ۲۳.

60. John Mills  
61. Poul de Gue de Malves  
62. Denis Diderot  
۶۳. محمدحسین قرشی، ص ۲۳.  
۶۴. نورالله مرادی، ص ۸۷.

65. Zodler  
۶۶. همان، ص ۸۷.  
۶۷. محمدحسین قرشی، ص ۲۳.  
۶۸. نورالله مرادی، ص ۸۹.

69. Adler  
۷۰. محمدحسین قرشی، ص ۲۳.  
۷۱. نورالله مرادی، ص ۹۱.  
۷۲. محمدحسین قرشی، ص ۲۳.  
۷۳. نورالله مرادی، ص ۹۲.  
۷۴. محمدحسین قرشی، ص ۲۳.  
۷۵. همان، ص ۲۴.  
۷۶. همان، ص ۲۳.  
۷۷. همان، ص ۲۳ و ۲۴.  
۷۸. محمدحسین قرشی، ص ۲۴.  
۷۹. نورالله مرادی، ص ۹۱.

80. D. Cole  
۸۱. همان‌جا.  
۸۲. نورالله مرادی، ص ۹۲.  
۸۳. محمدحسین قرشی، ص ۲۴.  
۸۴. نورالله مرادی، ص ۹۲.

85. Encyclopedia Universal Illustrada  
Europeo- Americana  
۸۶. محمدحسین قرشی، ص ۲۴.  
۸۷. همان‌جا.  
۸۸. همان‌جا.  
۸۹. همان‌جا.

۴. هوشنگ ابرامی، ص ۱۶۲.  
۵. جرالده جهودا، ص ۷۸.  
۶. همان، ص ۸۰، ۷۹.  
۷. «گفت‌گو با حسن انوشه»، کیهان فرهنگی، ۱۳ خرداد - تیر ۱۳۷۵، ص ۱۰۵.  
۸. جرالده جهودا، ص ۸۰.  
۹. پروین انوار (استعلامی)، «مآخذشناسی و استفاده از کتابخانه، تهران»: زواره، ۱۳۷۵، ص ۶۱-۶۲.  
۱۰. پروین انوار، ص ۶۱-۵۹.  
۱۱. «عنوانهای اصلی و فرعی دایرةالمعارف نویسی در غرب»، کیهان فرهنگی، ۱۳ خرداد - تیر ۱۳۷۵، ص ۴۴.  
۱۲. محمدحسین قرشی، «تاریخچه دایرةالمعارف نگاری در جهان»، کیهان فرهنگی، ۱۳ خرداد - تیر ۱۳۷۵، ص ۳۰.  
۱۳. آذر برزگر، «دایرةالمعارف»، فرهنگنامه ادبی، ص ۵۸۰.  
۱۴. پروین انوار، ص ۶۹.  
۱۵. محمدحسین قرشی، ص ۳۱.  
۱۶. همان‌جا.  
۱۷. همان، ص ۳۲.  
۱۸. محمدحسین قرشی، ص ۳۲.  
۱۹. همان‌جا.  
۲۰. همان‌جا.  
۲۱. همان‌جا.  
۲۲. همان‌جا.  
۲۳. محمدحسین قرشی، ص ۳۲.  
۲۴. همان‌جا.  
۲۵. همان‌جا.  
۲۶. نورالله مرادی، «مرجع‌شناسی، شناخت خدمات و کتاب مرجع»، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹-۱۲۳.  
۲۷. محمدحسین قرشی، ص ۲۲.

28. speusippus  
۲۹. نورالله مرادی، ص ۸۴.  
۳۰. همان‌جا.

31. varo  
۳۲. همان‌جا.

33. Pliny  
۳۴. در مرجع شناسی مرادی، تعداد ۲۰۰۰۰ آمده است.

35. Isidore  
۳۶. محمدحسین قرشی، ص ۲۲.  
۳۷. همان‌جا.

38. Herrad  
39. Honorius inelusus  
۴۰. نورالله مرادی، ص ۸۵.  
۴۱. محمدحسین قرشی، ص ۲۲.

مطرح شد. شورای کتاب کودک با توجه به نیازی که احساس می‌کرد، تصمیم گرفت که پدیدآورنده چنین اثری باشد. کار تدوین فرهنگنامه از سال ۱۳۵۸ ه. ش با توجه به نیاز، هدف و ویژگیهایی که برای آن در نظر گرفته شده بود آغاز شد. ۱۷۱ در ابتدای کار قرار بود این فرهنگنامه به صورت مجموعه شانزده جلدی منتشر شود که پانزده جلد آن شامل مقاله‌ها و جلد شانزدهم نمایه و فهرست راهنما باشد. اما به دلیل تحولات روی داده در همه عرصه‌ها، ضرورت تهیه مقالات جدید مطرح شد که در نهایت منجر به آن گردید که فرهنگنامه در بیست و دو جلد منتشر شود. تاکنون شش جلد از این فرهنگنامه انتشار یافته است.

### فهرست منابع

- ابرامی، هوشنگ، «شناختی از دانش شناسی (علوم کتابداری و دانش‌رسانی)». به کوشش رحمت‌الله فتاحی. تهران، کتابدار، ۱۳۷۸.  
- انوار (استعلامی)، پروین. «مآخذشناسی و استفاده از کتابخانه». تهران، زواره، ۱۳۷۵.  
- انوشه، حسن. «فرهنگنامه ادبی فارسی». تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶.  
- جهودا، جرالده. «مبانی مرجع: فنون پرسش‌کاوی و پاسخ‌یابی از منابع کتابخانه»، ترجمه محمدحسین دینانی، عبدالحمید معرف‌زاده. مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.  
- مرادی، نورالله. «مرجع‌شناسی: شناخت خدمات و کتابهای مرجع». تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۴.  
- کیهان فرهنگی، س ۱۳، ش ۲۷، (۱۳۷۵).

### ارجاعات:

۱. جرالده جهودا و جودیت شیک براوناگل، مبانی مرجع: فنون پرسش‌کاوی و پاسخ‌یابی از منابع کتابخانه، ترجمه محمدحسین دینانی (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷)، ص ۷۷.  
۲. هوشنگ ابرامی، شناختی از دانش‌شناسی (علوم کتابداری و دانش‌رسانی)، به کوشش رحمت‌الله فتاحی، تهران: کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۱۶۱.  
۳. جرالده جهودا، ص ۷۷.

۹۰. همان‌جا.  
 ۹۱. همان‌جا.  
 ۹۲. محمدحسین قرشی، ص ۲۴.  
 ۹۳. همان‌جا.  
 ۹۴. همان‌جا.  
 ۹۵. نورالله مرادی، ص ۹۳.  
 ۹۶. محمدحسین قرشی، ص ۲۴ و ۲۵.  
 ۹۷. آذر برزگر، ص ۵۸۱.  
 ۹۸. محمدحسین قرشی، ص ۲۵.  
 ۹۹. همان‌جا.  
 ۱۰۰. همان‌جا.  
 ۱۰۱. محمدحسین قرشی، ص ۲۵.  
 ۱۰۲. همان‌جا.  
 ۱۰۳. همان‌جا.  
 ۱۰۴. نورالله مرادی، ص ۹۹.  
 ۱۰۵. محمدحسین قرشی، ص ۲۵.  
 ۱۰۶. نورالله مرادی، ص ۹۹.  
 ۱۰۷. محمدحسین قرشی، ص ۲۵.  
 ۱۰۸. نورالله مرادی، ص ۹۳.  
 ۱۰۹. همان، ص ۹۳ و ۹۴.  
 ۱۱۰. همان، ص ۹۴.  
 ۱۱۱. همان، ص ۹۶.  
 ۱۱۲. همان.  
 ۱۱۳. محمدحسین قرشی، ص ۲۶.  
 ۱۱۴. همان.  
 ۱۱۵. نورالله مرادی، ص ۹۶.  
 ۱۱۶. محمدحسین قرشی، ص ۲۶.  
 ۱۱۷. نورالله مرادی، ص ۹۶.  
 ۱۱۸. محمدحسین قرشی، ص ۲۶.  
 ۱۱۹. نورالله مرادی، ص ۹۷.  
 ۱۲۰. محمدحسین قرشی، ص ۲۶.  
 ۱۲۱. نورالله مرادی، ص ۹۷.  
 ۱۲۲. همان‌جا.  
 ۱۲۳. همان، ص ۹۸.  
 ۱۲۴. محمدحسین قرشی، ص ۲۶.  
 ۱۲۵. همان‌جا.  
 ۱۲۶. همان‌جا.  
 ۱۲۷. همان‌جا.  
 ۱۲۸. محمدحسین قرشی، ص ۲۷.  
 ۱۲۹. همان‌جا.  
 ۱۳۰. همان، ص ۲۶.  
 ۱۳۱. محمدحسین قرشی، ص ۲۷.  
 ۱۳۲. محمدحسین قرشی، ص ۲۶.  
 ۱۳۳. نورالله مرادی، ص ۹۸.  
 ۱۳۴. محمدحسین قرشی، ص ۲۷.  
 ۱۳۵. نورالله مرادی، ص ۹۹.  
 ۱۳۶. نورالله مرادی، ص ۹۹.  
 ۱۳۷. محمدحسین قرشی، ص ۲۷.  
 ۱۳۸. آذر برزگر، ص ۵۸۱ و ۵۸۲.
۱۳۹. محمدحسین قرشی، ص ۲۵.  
 ۱۴۰. همان، ص ۲۷.  
 ۱۴۱. «دایرةالمعارفهای عمومی»، کیهان فرهنگی، ۱۳ (خرداد - تیر ۱۳۷۵)، ۱۴۱.  
 ۱۴۲. محمدحسین قرشی، ص ۲۷.  
 ۱۴۳. دایرةالمعارفهای عمومی، ص ۱۴۰.  
 ۱۴۴. محمدحسین قرشی، ص ۲۷ و ۲۸.  
 ۱۴۵. همان، ص ۲۸.  
 ۱۴۶. محمدحسین قرشی، ص ۲۸.  
 ۱۴۷. دایرةالمعارفهای عمومی، ص ۱۴۱.  
 ۱۴۸. همان‌جا.  
 ۱۴۹. محمدحسین قرشی، ص ۲۸.  
 ۱۵۰. همان‌جا.  
 ۱۵۱. همان‌جا.  
 ۱۵۲. دایرةالمعارفهای عمومی، ص ۱۴۰.  
 ۱۵۳. همان‌جا.  
 ۱۵۴. همان، ص ۱۴۱.  
 ۱۵۵. همان‌جا.  
 ۱۵۶. دایرةالمعارفهای عمومی، ص ۱۴۰.  
 ۱۵۷. همان‌جا.  
 ۱۵۸. همان‌جا.  
 ۱۵۹. همان، ص ۱۴۱.  
 ۱۶۰. محمدحسین قرشی، ص ۲۸ و ۲۹.  
 ۱۶۱. «دایرةالمعارفهای عمومی»، ص ۱۴۱.  
 ۱۶۲. محمدحسین قرشی، ص ۲۹.  
 ۱۶۳. «دانشنامه‌ها نقشه تحقیق»، کیهان فرهنگی، ۱۳ (خرداد - تیر ۱۳۷۵)، ۱۰.  
 ۱۶۴. «درگستره ادب فارسی» کیهان فرهنگی، ۱۳ (خرداد - تیر ۱۳۷۵)، ۱۰۴ و ۱۰۵.  
 ۱۶۵. «در پی گامهای اولیه»، کیهان فرهنگی، ۱۳ (خرداد - تیر ۱۳۷۵)، ۲۱.  
 ۱۶۶. «دایرةالمعارفها، نشانه خلایق و پویایی» کیهان فرهنگی، ۱۳ (خرداد - تیر ۱۳۷۵)، ۱۱۸.  
 ۱۶۷. همان، ص ۱۱۸.  
 ۱۶۸. محمدحسین قرشی، ص ۲۹.  
 ۱۶۹. همان‌جا.  
 ۱۷۰. همان‌جا.  
 ۱۷۱. همان‌جا.

